



الگوی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی با رویکرد حسابداری دادگاهی: بر اساس روش تحلیل مضمون (تم)

محمد رضا برنا*، رسول برادران حسن زاده**، علیرضا فضل زاده***، یونس بادآور نهنندی****

چکیده

تقلب، جدی‌ترین تهدید برای منافع عمومی و بازارهای سرمایه محسوب می‌شود. به علت وجود اطلاعات اندک در خصوص پدیده تقلب و فقدان چارچوب نظری کامل در کشور، این پژوهش با هدف تدوین الگوی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی انجام شد. پژوهش حاضر به روش تحلیل مضمون (تم) از طریق مصاحبه به صورت هدفمند با ۲۱ نفره از خبرگانی که در زمینه بررسی تقلب‌های برخی از شرکت‌های متقلب ایرانی با مراجع نظارتی و قضایی در پرونده‌های مهم همکاری داشته‌اند؛ در طول سالهای ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ صورت گرفته است. این تحقیق علل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی را در: ۱- عوامل شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی (خود شیفتگی / بیش اعتمادی، اخلاق و تعهد، انگیزه / فشار، توجیه و ویژگی‌های فردی) ۲- عوامل ساختاری (محیط و فرهنگ سازمانی، مدیریتی (ناشایستگی و انگیزه/فشار)، فرصت/بستر سازمانی و ۳- عوامل کلان برون سازمانی (اقتصادی - صنعتی و اجتماعی - سیاسی) به همراه زیر مجموعه (اجزای) عوامل آن‌ها، شناسایی نمود. نتایج این پژوهش منجر به توسعه مدل‌های قبلی مانند مثلث تقلب، لوزی تقلب، پنج ضلعی تقلب و دیگر الگوهایی که تاکنون روی عوامل فردی اثرگذار بر تقلب مطرح شده‌اند، می‌گردد. نتیجه نشان می‌دهد علاوه بر عوامل فردی مطرح شده قبلی (به همراه برخی از عوامل جدید فردی

* دانشجوی دکتری حسابداری دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

** دانشیار حسابداری، دانشکده مدیریت، اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

*** دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

**** دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

نویسنده مسئول:

شناسایی شده در این پژوهش) ثقلب معلول عوامل ساختاری و کلان برون سازمانی (با زیرمجموعه عوامل شناسایی شده)، است. یافته‌های این پژوهش پیشنهادی به کمیته تدوین استانداردهای حسابداری در راستای تجدیدنظر استاندارد شماره ۲۴۰ حسابرسی و کمک به نهادهای نظارتی برای شناسایی عوامل وقوع و مبارزه با پدیده ثقلب می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: ثقلب در صورت‌های مالی، حسابداری دادگاهی، تحلیل تم

مقدمه

ثقلب^۱ در صورت‌های مالی تهدیدی جدی و مهم برای سرمایه‌گذاران نسبت به اطلاعات مالی و بازارهای سرمایه است. رسوایی‌های مالی گزارش شده توسط شرکت‌های خوش سابقه، و همچنین رسوایی و سقوط اخلاقی در این شرکت‌ها (نظیر انرون^۲، ورلد کام^۳، گلوبال^۴، پارمالات^۵)، اطمینان سرمایه‌گذاران و اعتماد عمومی را نسبت به این شرکت‌ها از نظر راهبری شرکتی، گزارش‌دهی و عملکردهای حسابرسی از بین برده است (رضایی، ۱۳۹۸). در دنیای کسب و کار امروزی کمتر شرکتی است که قربانی سوء استفاده‌های مالی نشود. ثقلب مالی نه تنها زیان مالی به شرکت وارد می‌نماید؛ بلکه باعث از بین رفتن اعتبار و خدشه‌دار شدن اطمینان مشتریان به سیستم نیز می‌شود (معصومی و همکاران، ۱۳۹۹).

در بند ۱۱ استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران (تجدید نظر شده ۱۳۹۴) واژه ثقلب این گونه تعریف شده است: "ثقلب هر گونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری کارکنان یا اشخاص ثالث، که متضمن فریبکاری برای برخورداران از یک مزیتی ناروا یا غیر قانونی است." در این بند استاندارد در کنار مفهوم ثقلب، به تعریف عوامل خطر ثقلب پرداخته شده است. عوامل خطر ثقلب: رویدادها یا شرایطی که نشان دهنده انگیزه یا فشار برای ثقلب یا فراهم کننده فرصت ارتکاب ثقلب می‌باشد (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۴). نمونه‌هایی از عوامل خطر ثقلب مربوط به گزارشگری مالی متقلبانه و سوءاستفاده از دارائیه‌ها بر اساس سه شرط (انگیزه^۶/ فشار-فرصت^۷-توجیه^۸) در پیوست یک استاندارد حسابرسی ۲۴۰ طبقه‌بندی شده است. این سه شرط برگرفته از مدل مثلث ثقلب^۹ بوده که در دهه پنجاه (۱۹۵۰-۱۹۵۳) توسط کریسی^{۱۰} مطرح شده است. در سال ۲۰۰۴ مدل مثلث ثقلب، توسط ولف و هرمانسون^{۱۱} به مدل دیاموند^{۱۲} تغییر یافته و بعد «توانایی/قابلیت^{۱۳}»

به مدل مذکور اضافه شده است و سپس، مدل پنتاگون تقلب^{۱۴} توسط کروهورا^{۱۵} در سال ۲۰۱۱ با افزودن بعد «خودبینی/غرور»^{۱۶} به مدل دیاموند، منجر به تکمیل مدل مثلث تقلب که بیشتر مبتنی بر عوامل فردی تاثیرگذار بر تقلب می‌باشد؛ شده است.

سایزلوینز^{۱۷} (۲۰۱۰) معتقد است که مثلث تقلب باید گسترش یابد تا تاثیرات سطح اجتماعی و بین‌المللی را نیز شامل شود (نمازی و حسینی‌نیا، ۱۳۹۸). هیأت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عام^{۱۸} (۲۰۰۷) به دنبال تاکید بر مسئولیت حساب‌برسان در شناسایی شرایط خطر بالای تقلب و برخورد با این شرایط است. طبق گزارش بازرسان هیأت، حساب‌برسان گاهی اوقات در تغییر آزمون‌های حسابرسی برنامه‌ریزی شده در برخورد با عوامل خطر شناسایی شده شکست می‌خورند. همچنین محققان دانشگاهی نگران مناسب بودن برنامه‌های حسابرسی حساب‌برسان در برخورد با عوامل موثر بر وقوع تقلب هستند (همرسل^{۱۹}، ۲۰۱۱؛ هافمن و زیملمن^{۲۰}، ۲۰۰۹؛ بولو و همکاران، ۱۳۹۹). نمازی و حسینی‌نیا (۱۳۹۸) نیز بر مبنای مقاله‌های صورت‌گرفته در دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷ به روش فن تحلیل محتوای به طراحی «فراالگوی چندبعدی عوامل موثر بر تقلب»، پرداخته‌اند که در فراالگوی آنها ابعاد موثر بر تقلب به صورت کلی در سه سطح فردی، سازمانی و بین‌المللی و بدون پرداختن به زیر مجموعه هر یک از عوامل بیان شده است. از آنجایی که وجود آمدن پدیده تقلب در صورت‌های مالی مبتنی بر علل مختلف است شناسایی عوامل موثر بر تقلب گام نخست در مسیر مبارزه با پدیده تقلب محسوب می‌شود.

بررسی نظریه‌های تقلب مالی و پژوهش‌های قبلی صورت‌گرفته در این زمینه، نشان می‌دهد، محوریت در بیشتر این نظریه‌ها و تحقیقات، روی عوامل تاثیرگذار فردی بر تقلب بوده است (بولو و صادقی، ۱۳۸۹؛ طاهری و همکاران، ۱۳۹۷؛ بزرگ اصل و همکاران، ۱۳۹۹؛ نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۹؛ داگلاس و همکاران^{۲۱}، ۲۰۱۵؛ زاکی^{۲۲}، ۲۰۱۷؛ راکمانا^{۲۳}، ۲۰۱۸) یا به بررسی رابطه چند متغیر تاثیرگذار بر تقلب صورت‌گرفته است (خواجهی و ابراهیمی، ۱۳۹۷؛ اعتمادی و عبدلی، ۱۳۹۶؛ مرادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ بنی-احمد^{۲۴}، ۲۰۱۹؛ پامونگاس^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۸؛ وانگ^{۲۶} و همکاران، ۲۰۱۷؛ دیمیترویویچ^{۲۷} و همکاران، ۲۰۱۷). در الگوی ارائه شده تشدید و سیاسی (۱۳۹۷) و سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) نیز عناوینی مانند اخلاق سازمانی، شرایط اقتصادی کشور، فرهنگ عمومی، عوامل حاکمیتی شرکتی و نظام قانونی به صورت کلی و بدون پرداختن به اجزای موثر بر تقلب

برای هر یک از این عوامل شناسایی شده‌اند. لذا وجود نظرات مختلف در سیر تطور نظریه‌های تقلب و محدود بودن این نظریه‌ها به بررسی رابطه چند متغیر موثر بر وقوع تقلب و کامل و جامع نبودن این نظریه‌ها، نیازمند پژوهش‌های تکمیلی دیگری برای شناسایی سایر عوامل موثر بر وقوع تقلب (نظیر شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سازمانی و دیگر عوامل حوزه‌های داخل کشوری و بین‌المللی) در صورت‌های مالی است. از سویی به منظور مقابله با پدیده تقلب در کشورهای نظیر آمریکا راهکارهای مختلفی در پیش گرفته شده که از جمله اینها استفاده از متخصصان کشف تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی و ایجاد حرفه‌ای جدید به نام «حسابداری دادگاهی»^{۲۸} است و از آنجایی که حسابرسان ایرانی در دامنه استاندارد حسابرسی شماره ۹۹ آمریکا (شماره ۲۴۰ ایران) کار می‌کنند، لذا انتظار می‌رود تا حدودی دانش و مهارت در زمینه مباحث تقلب و حسابداری دادگاهی داشته باشند (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو استفاده از این متخصصان در کشور می‌تواند در حوزه تقلب‌یابی و پیشگیری از آن مفید واقع شود.

با توجه به موارد پیشگفته و در ادامه تحقیق فراالگوی چندبعدی عوامل موثر بر تقلب‌نمازی و حسینی‌نیا (۱۳۹۸) و با عنایت به این که در داخل کشور نیز فقدان پژوهشی که عوامل اثرگذار بر تقلب را در حوزه‌های فردی، محیطی، ساختاری، اقتصادی، سیاسی، صنعتی، اجتماعی و... را بر اساس اجزای ذی‌مدخل مهم و تاثیرگذار شرایط حاکم بر کشور مانند اقتصاد دولتی، تحریم، تورم و... به صورت جامع مورد بررسی قرار دهد محرز می‌باشد؛ لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل موثر بر وقوع تقلب بر اساس شرایط حاکم بر محیط کشور ایران، از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه حسابداری دادگاهی، به روش تحلیل تم صورت گرفته است. پژوهش دنبال پاسخگویی به این سوال است که: الگوی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی با رویکرد حسابداری دادگاهی چگونه می‌باشد؟

بنابراین اهمیت پژوهش حاضر از آنجا ناشی می‌شود که می‌تواند علاوه بر عوامل فردی موثر بر وقوع تقلب، سایر عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی در کشور ایران را شناسایی نموده و همچنین منجر به توسعه الگوها و فراالگوی مطرح شده تاکنون، شود. علاوه بر این عوامل شناسایی شده در این تحقیق، می‌تواند برخی از خلاءهای عوامل خطر تقلب در پیوست یک استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران را پر نموده و کمکی بر حسابرسان، نهادهای نظارتی و حسابداران دادگاهی در انجام امور مربوط به حوزه تقلب باشد.

مبانی نظری و طرح سوالات

تقلب: تقلب نوعی دزدی با فریب دیگران است که با روش‌های مختلف فریب‌کاری برای سرقت بردن دارایی‌های سازمان یا شخص دیگر، صورت می‌گیرد (لیودرووا^{۲۹} و همکاران، ۲۰۲۱). برای اینکه عملی تقلب محسوب شود، مرتکب‌شونده باید از عمل خیانت آگاهی و قصد فریب داشته باشد و گروه قربانی باید از زیان‌های به وجود آمده رنج ببرد یا دچار آسیب شود (راس، ۲۰۱۰). انجمن بازرسان رسمی تقلب^{۳۰}، تقلب‌های حرفه‌ای را در سه مقوله‌ی فساد مالی، سوء استفاده از دارایی‌ها و تقلب در صورت‌های مالی طبقه‌بندی کرده است. طبق گزارش این انجمن، گزارشگری مالی متقلبانه از لحاظ فراوانی کمتر از دیگر تقلب‌ها اما از لحاظ اثر مالی بیشترین زیان را به شرکت‌ها تحمیل نموده است. تقلب مالی از زمان‌های قدیم وجود داشته (دورمینی^{۳۱} و همکاران، ۲۰۱۲) و در حال حاضر، تقلب صورت‌های مالی در حال رشد است (کراویتز^{۳۲}، ۲۰۱۲؛ نمازی وحسینی‌نیا، ۱۳۹۸). حوزه این پژوهش مربوط به مقوله تقلب در صورت‌های مالی است.

عوامل موثر بر وقوع تقلب: در دهه‌های مختلف عوامل موثر بر وقوع تقلب در قالب نظریه‌های گوناگونی توسعه یافته که معروف‌ترین آنها به شرح زیر ارائه می‌شود.

دونالد کریسی در دهه ۱۹۵۰ نظریه مثلث تقلب را عنوان کرد. او سه عامل فرصت، توجیه و فشار را از عوامل موثر بر وقوع تقلب دانست. مدل دیاموند تقلب توسط ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) مطرح گردید. این مدل بعد توانایی را به عنوان عامل چهارم به مدل مثلث تقلب اضافه می‌کند. آن‌ها بر این عقیده هستند که داشتن توانایی‌های لازم برای انجام تقلب یکی از مهمترین عوامل ارتکاب تقلب می‌باشد. آن‌ها برای بعد توانایی، نشانه‌های توانایی را، شناسایی ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، توانایی استفاده از ضعف موجود در سیستم‌های حسابداری و کنترل‌های داخلی، اعتماد داشتن توانایی برای جلوگیری از شناسایی شدن تقلب و توانایی وادار کردن دیگران به انجام تقلب را، مطرح می‌کنند. سایر ابعاد این مدل، مشابه مدل مثلث تقلب می‌باشد. مدل پنتاگون تقلب (۲۰۱۱) بسطی از مدل مثلث تقلب کریسی است. این مدل توسط کروهوروات معرفی شد. مدل پنتاگون تقلب دو بعد دیگر را به مدل مثلث تقلب افزود که غرور و توانایی هستند. غرور (خودبزرگ‌بینی - تکبر) را می‌توان نگرشی مبتنی بر برتری طلبی و محق بودن یا طمع از طرف فردی دانست که به سادگی معتقد است کنترل‌های داخلی در رابطه با شخص وی

مصدّق ندارد. مارکس^{۳۳} (۲۰۱۱) نشانه‌های خودبرتربینی، عدم کاربرد کنترل‌های داخلی، رفتار تحکمانه، سبک مدیریت استبدادی و داشتن تمایل و اشتیاق به حفظ جایگاه (جاه‌طلبی) را برای این بعد (غرور) بیان کرده است. تقلب افشا شده از شرکت توشیا در سال ۲۰۱۵ نشان داد که این شرکت در مجموع حدود مبلغ ۲ میلیارد دلار سود خود را بیش از واقع نشان داده است. نتایج تحقیقات انجام شده از این شرکت نشان داد که سبک مدیریت در این شرکت به گونه‌ای بوده است که بر اساس آن تصمیمات مدیریتی ناپستی به چالش کشیده می‌شدند (فورچون^{۳۴}، ۲۰۱۵؛ طاهری و همکاران، ۱۳۹۷).

رامامورتی^{۳۵} و همکاران (۲۰۰۹) مدل ای بی سی (ABC) را ارائه دادند که اثر متقابل اشخاص، سازش برخی افراد و سازوکارهای فرهنگی و اجتماعی که بر تقلب اثر می‌گذارند را شناسایی می‌کند. این مدل شرایط قبلی مثلث تقلب را گسترش می‌دهد و اثرات محیطی و فرهنگی را به عنوان مرتکب شوندگان تقلب در نظر می‌گیرد. یکی از مهمترین نتایج پژوهش رامامورتی و همکاران (۲۰۰۹)، کمبود اخلاق در سطح بالای سازمان است که بر میزان نسبی تقلب تأثیر دارد و این کمبود در سراسر سازمان و احتمالاً فرهنگ و جامعه فراگیر است. در دهه ۲۰۱۰ نظریه مربع تقلب (۲) توسط سائیلویز معرفی شد. وی نظریه مثلث تقلب را گسترش می‌دهد تا تأثیرات سطح اجتماعی و زمینه‌های بین‌المللی را شامل شود و اظهار می‌دارد مثلث تقلب و لوزی تقلب (مدل دیاموند) یک عامل در سطح فرد است و عوامل در سطح اجتماعی خارج از مدل واقعی قرار گرفته است و اعتقاد دارد برای این که الگوی تقلب در سطح بین‌المللی مفید باشد لازم است تفاوت‌های اجتماعی و اثر آنها بر عوامل الگوی مثلث تقلب درک شود. این تأثیرات شامل سنت‌های فلسفی و مذهبی، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی و وضعیت‌های اجتماعی همانند جو سیاسی، عوامل اقتصادی اجتماعی و حاکمیت قانون است (نمازی و حسینی‌نیا، ۱۳۹۹).

گبگی و آدبیزی^{۳۶} (۲۰۱۳) اعتقاد دارند که برای حسابداران، به ویژه حسابداران دادگاهی، مهم است که همه الگوهای تقلب را در نظر بگیرند تا علت ارتکاب تقلب را درک کنند. بنابراین، تمام الگوهای تقلب باید به عنوان بسط لوزی تقلب و لوف و هرمانسون (۲۰۰۴) در نظر گرفته شوند و باید در یک الگو که شامل انگیزه، فرصت، کمال شخصی، قابلیت و حاکمیت شرکتی است یکپارچه شوند. نام الگوی ایشان، الگوی لوزی تقلب است. در مراحل بعد، الگوی مقیاس تقلب (۲) بیان شد که اجزاء آن با سیستم کنترل داخلی

در ارتباط اند اما همچنان این الگو برخی ابعاد از قبیل ابعاد اقتصادی و اجتماعی موثر بر وقوع تقلب را نادیده گرفته است (نمازی و حسینی نیا، ۱۳۹۸).

در ادامه این الگوها، توسط نمازی و حسینی نیا در سال ۱۳۹۸ با تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب برای دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۷ با استفاده از فن تحلیل محتوا و به کارگیری فرا تحلیل مقاله‌های لاتین چاپ شده در زمینه تقلب، فرا الگوی چند بعدی ارائه شد که تلفیقی از الگوهای قبلی (مثلث تقلب، مربع تقلب، مقیاس تقلب و غیره) است که به اعتقاد این نویسندگان تقریباً خلاء موجود در الگوها و مطالعات قبلی را برطرف کرده است. پژوهش حاضر نیز در این راستا با هدف شناسایی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌ها مالی در سطوح فردی، ساختاری (سازمانی)، برون سازمانی (اقتصادی - صنعتی و اجتماعی - سیاسی) در توسعه این مدل‌ها برآمده است.

حسابداری دادگاهی (قضایی): به عنوان شاخه‌ای مهم و فوق‌العاده در رشته‌های حسابرسی با هدف جلوگیری از رسوایی‌های مالی، انواع تقلب‌ها و فریبکاری‌ها و کشف و تصحیح آنها پیشرفت کرده است (رضایی، ۱۳۹۸). حسابداری دادگاهی مفهومی توسعه یافته از مباحث حقوقی را شامل می‌شود از سندسازی تا پولشویی را در حسابداری سازمانها، بنگاه‌های اقتصادی و غیره بررسی می‌کند و دانشی است که زمینه پیدایش آن قوانین و مقررات حاکم بر دنیای تجارت و برای جلوگیری از تقلب و اقدامات متخلفین می‌باشد (جیمز^{۳۷}، ۲۰۱۰). از حسابداران دادگاهی برای جمع‌آوری داده‌های این پژوهش با طرح سوالات به شرح زیر استفاده شده است.

- ۱- چه ویژگی‌های فردی (شخصیتی و رفتاری) را به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی می‌دانید؟
- ۲- چه عوامل ساختاری درون سازمانی را به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی موثر می‌دانید؟
- ۳- چه عوامل صنعتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی نقش دارند؟

پیشینه

علاوه بر پژوهش‌های ذکر شده در مبانی نظری، در این بخش به برخی از پژوهش‌های داخلی و خارجی پیشینه پژوهش اشاره می‌شود. مرادی و همکاران (۱۳۹۳) به شناسایی عوامل

موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی از دید حساب‌برسان و مدیران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که بین ویژگی‌های مدیریت، تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت، ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی با احتمال وقوع تقلب رابطه معناداری وجود دارد.

طاهری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اهمیت ابعاد و نشانه‌های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون تقلب پرداختند این مدل شامل پنج بعد موثر بر تقلب: فشار/ انگیزه، فرصت، توجیه سازی، توانایی و غرور می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بعد فرصت و نشانه‌های تقلب وابسته بودن بخش عمده‌ای از میزان حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد واحد مورد رسیدگی، سیستم‌های اطلاعاتی، حسابداری و کنترل‌های داخلی غیر کارآمد، ایجاد محدودیت در کار حساب‌برسان، میزان تجربه و اطمینان بیش از حد، بیشترین اهمیت را در تعدیل برنامه حسابرسی دارند.

تشدیدی و سپاسی (۱۳۹۷) در تحقیقی به ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه پردازی زمینه‌بنیان پرداختند، بر اساس نتایج این پژوهش عوامل فرهنگ اخلاق سازمانی و سیستم کنترلی اثر بخش، شروط علی و اثر گذار بر روش‌های کنترلی شناخته شدند. همچنین فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی کشور، اعتقادات مذهبی و نظام قانونی جزء شرایط زمینه‌ای و عوامل حاکمیت شرکتی و حساب‌برس مستقل جزء شرایط مداخله‌گر قرار گرفتند.

نیکومرام و همکاران (۱۳۹۸)، به بررسی تاثیر ویژگی‌های فردی حساب‌برس شامل جنسیت، تحصیلات، تجربه کاری و رتبه شغلی بر ارائه و گزارش تقلب در حرفه حسابرسی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که جنسیت رابطه معنی‌دار و منفی با گزارش اخلاقی تقلب دارد. به بیان دیگر زنان در مقایسه با مردان کمتر تمایل دارند تقلب را در حرفه حسابرسی گزارش نمایند. نتایج دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه معنی‌داری میان تحصیلات، تجربه کاری و رتبه شغل با گزارش اخلاقی تقلب وجود ندارد. بزرگ اصل و همکاران (۱۳۹۹)، نسبت به بررسی تاثیر خود شیفتگی مدیر عامل بر ریسک تقلب پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که خود شیفتگی، به عنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی مدیر عامل، می‌تواند باعث افزایش احتمال ریسک تقلب در گزارشگری مالی شود.

نتایج پژوهش بل^{۳۸} و کارسلو^{۳۹} (۲۰۰۰) نشان داد دروغ‌گویی مدیریت به حسابرس، سیستم کنترل داخلی ضعیف، رفتار پرخاشگرانه مدیریت، تاکید بی جهت مدیریت بر دستیابی سود پیش‌بینی شده و وجود مشکلات قابل ملاحظه در حسابرسی معاملات، بین مدیران متقلب و غیر متقلب تفاوت دارد. در پژوهش لین و همکاران (۲۰۱۵)، پنج عامل مهم تقلب مطرح گردید که به ترتیب عبارتند از: عملکرد ضعیف، نیاز به تامین مالی خارجی، بحران‌های مالی، نظارت ضعیف هیات مدیره و رقابت بازار.

دیمتریویچ و همکاران (۲۰۱۷) به بررسی نقش کنترل‌های داخلی در پیشگیری از تقلب پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان دادند که تکنیک‌های کنترل داخلی در نظر گرفته شده برای جلوگیری از تقلب زمانی می‌تواند اجرا شود که شرکت دارای سیستم توسعه یافته کنترل داخلی باشد و به طور منظم فرایند کنترل را انجام دهد. بنی احمد (۲۰۱۹) در پژوهش خود با عنوان نقش تعدیل کننده کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین سیستم اطلاعات حسابداری و کشف تقلب: مطالعه موردی بانک‌های جوردرین؛ به نقش ضروری کنترل‌های داخلی، بر ارتباط بین سیستم اطلاعات حسابداری و کشف تقلب بانک‌های مورد آزمون رسیدند.

روش شناسی

هدف این پژوهش، شناسایی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی با رویکرد حسابداری دادگاهی به روش تحلیل مضمون (تم)^{۴۰} در قالب الگوی جامع است. پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و ماهیت کیفی با رویکرد اکتشافی دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به پیروی از روش تحلیل تم پژوهش‌های قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸)، عابدی و همکاران (۱۳۹۰) و کرمی و جباری (۱۳۹۶) صورت گرفته است. در ادامه، روش تحلیل مضمون اجمالاً^{۴۱} توضیح داده شده و سپس نحوه بکارگیری از این روش در پژوهش حاضر بیان می‌گردد.

تحلیل مضمون (تم): تحلیل مضمون از نوع تحلیل محتوای کیفی محسوب می‌شود و با تحلیل محتوا از نوع کمی در روش کار و منطق تحلیل تفاوت دارد. در تحلیل محتوای کمی محقق به دنبال این موضوع است که چه کلمات، مضامین و نمادهایی بیش از همه و به چه تعداد تکرار می‌شود. در حالیکه در تحلیل محتوای کیفی (تحلیل مضمون) محقق،

اصالت و حقیقت داده‌ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر می‌کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در تحلیل محتوای کمی برای نمونه‌گیری، به داده‌هایی نیاز است که با استفاده از قواعد نمونه‌گیری تصادفی، که اعتبار استنتاج‌های آماری را تضمین می‌کنند، انتخاب می‌شوند؛ در حالی که نمونه در تحلیل محتوای کیفی معمولاً "در بر دارنده انتخاب هدفمند مواردی است که بازتابنده پرسش‌های پژوهش‌اند. داده‌های روش تحلیل تم می‌تواند متن‌ها یا مصاحبه‌ها باشند. یک تم در بردارنده چیزی با اهمیت درباره داده‌ها در ارتباط با پرسش پژوهش است. برای تعیین اینکه چه چیزی در یک پژوهش، تم به حساب می‌آید، داوری پژوهش‌گر ضروری است. کلیدی بودن یک تم الزاماً وابسته به ملاک‌های کمی (مثل تعداد دفعات تکرار) نیست. مدل تحلیل تم را می‌توان یک روش اساسی دانست که رویکردی مناسب و انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌های کیفی است (براون^{۴۱} و کلارک^{۴۲}، ۲۰۰۶). در روش تحلیل تم، پژوهش‌گر آزادی عمل بسیاری دارد و لزومی به مراجعه یا ارجاع به مبانی نظری ندارد و می‌تواند در پی کشف الگوی خود باشد (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸).

نحوه به کارگیری تحلیل تم: در این پژوهش، برای تحلیل داده‌ها؛ ابتدا "نوشته‌ها و متن‌های مصاحبه چندین بار مرور شده و گفته‌های اساسی و کلیدی بنابر قضاوت پژوهش‌گران تعیین، و نوشته و گفته‌های نامربوط حذف شدند. سپس به هر یک از گفته‌های اساسی و کلیدی یک کد چهار رقمی (دو رقم اول شماره مصاحبه و دو رقم بعدی شماره گفته) تخصیص داده شد. دو نوع مصاحبه صورت گرفته است اکتشافی و اصلی. مصاحبه‌های اکتشافی به اختصار دو حرف اول انگلیسی (Exploratory Interview) EI و مصاحبه‌های اصلی به اختصار دو حرف اول (Main Interview) MI نشان‌گذاری شده‌اند. گفته‌ها یا جملات اساسی، همان دسته‌های مفهومی یا تم‌های جزئی هستند که به علت مشابه بودن معنایی و محتوایی در کنار همدیگر قرار گرفته و تم‌های فرعی را تشکیل داده‌اند و در ادامه، تم‌های فرعی به همین منوال تم‌های اصلی را شکل داده‌اند.

جامعه آماری این پژوهش را، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، حسابداران رسمی عضو

جامعه حسابداران رسمی ایران و کارشناسان رسمی دادگستری تشکیل می‌دهند. داده‌های پژوهش با روش مصاحبه در طول سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده است. نمونه آماری با روش هدفمند به منظور انتخاب مصاحبه‌شوندگانی صورت گرفت که علاوه بر سوابق علمی و پژوهشی در حوزه تقلب، دارای سوابق حسابرسی و رسیدگی از نوع کارشناسی دادگاهی یا نهادهای نظارتی، نسبت به پرونده‌های مختلف تقلب در شرکت‌های ایرانی (تحت سمت کارشناس رسمی دادگستری یا خبره مورد وثوق دادگاه یا نهادهای نظارتی و امنیتی)، می‌باشند. بدین منظور صاحب‌نظران بنام این حرفه با شناسایی هدفمند مورد مصاحبه واقع شدند (ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ درج شده است).

طریقه مصاحبه پژوهش به صورت مصاحبه نیمه ساختاریافته و در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول مصاحبه‌های اکتشافی از ۴ نفر خبره (EI) صورت گرفت، که دارای سوابق علمی و سنوات تجربی زیادی راجع به حوزه تقلب داشتند. در مرحله بعدی مصاحبه‌های اصلی آغاز و با ۱۷ نفر صاحب‌نظر حوزه حسابداری دادگاهی (MI) انجام شد. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که پژوهش‌گران به شناخت مضمون‌های مناسبی در پاسخ به سوالات مصاحبه دست یافتند به طوری که پژوهش‌گران در مصاحبه‌های آخر، با مضمون‌های تکراری مواجه شدند و به این اطمینان رسیدند که ادامه مصاحبه‌ها منجر به افزودن مضمون جدیدی نخواهد شد لذا به تعداد ۱۷ مورد در مرحله دوم اکتفا نمودند.

کلیه مصاحبه‌شوندگان، حسابدار رسمی، کارشناسان رسمی دادگستری یا خبرگان مورد وثوق دادگاه‌ها و مراجع نظارتی (۱۸ نفر کارشناس و ۳ نفر خبره مورد وثوق) هستند. کدهای (EI01,02,04) بالای، ۴۰ سال سابقه و ۷۰ سال سن؛ و مابقی بالای، ۲۵ سال سابقه کار و ۴۵ سال سن می‌باشند.

جدول ۱: ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

کد	نهادهای خارجی	عضویت در	نهادهای داخلی	عضویت در	سمت حرفه‌ای (موسسه/سازمان حسابرسی)	هیات علمی /مدرس دانشگاه	مرتبط با پژوهش حاضر
EI01	-	انجمن حسابداران خیره ایران، حسابرسان داخلی و...	شریک	هیات علمی- دکتری/استاد بازنشسته	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب		
EI02	انجمن بازرسان رسمی تقلب آمریکا، انجمن حسابرس ان داخلی آمریکا، انجمن حسابداران خیره آمریکا	شورای عالی انجمن حسابداران خیره ایران-عضو پیشین عالی جامعه حسابداران رسمی ایران	شریک	مدرس دانشگاه / فوق لیسانس	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب		
EI03	انجمن بازرسان رسمی تقلب آمریکا، انجمن حسابرسان داخلی آمریکا، انجمن حسابداران اتحادیه اروپا	انجمن حسابرسان داخلی ایران- انجمن حسابداران خیره ایران-گروه کارشناسان حامی حسابرسی ویژه/مفاسداقتصادی	شریک	مدرس دانشگاه -دکتری/مدعو	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب		
EI04	انجمن حسابداری مدیریت آمریکا	عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران- انجمن حسابرسی ایران- انجمن حسابداران خیره ایران-انجمن حسابداری ایران انجمن مدیریت	شریک	هیات علمی دانشگاه-استاد بازنشسته	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب		
MI05 MI06 MI07 MI09 MI13 MI15	-	انجمن حسابداران خیره ایران، حسابرسان داخلی و...	شریک	هیات علمی- دکتری/دانشیار	دارای تحقیقات مرتبط با تقلب		
MI01 MI10	-	انجمن حسابداران خیره ایران، حسابرسان داخلی و...	شریک	مدرس دانشگاه -دکتری	-		
Mi02 MI03 MI04 MI08 MI11 MI12 MI14 MI16 MI17	-	انجمن حسابداران خیره ایران، حسابرسان داخلی و...	مدیر/ حسابرس ارشد	مدرس دانشگاه /فوق لیسانس	-		

یافته‌های تحقیق (عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی)

یافته‌های تحقیق در ابعاد کلی (تم‌های اصلی) در شکل (۱) نشان داده می‌شود. مطابق یافته‌های این پژوهش سه تم اصلی «شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی»، «عوامل ساختاری» و «عوامل کلان برون سازمانی» بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی تاثیر دارند. که در ادامه نتایج حاصل از تحلیل تم در خصوص شناسایی تم‌های اصلی و فرعی به همراه تم‌های جزئی (دسته‌های مفهومی) شرح داده می‌شوند.

شکل ۱: الگوی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی

شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی

(خودشیفتگی/بیش اعتمادی، اخلاق و تعهد، انگیزه/فشار، توجیه، ویژگی‌های فردی)



عوامل کلان برون سازمانی
(اقتصادی-صنعتی و اجتماعی-سیاسی)

عوامل ساختاری
(محیط و فرهنگ سازمانی، عوامل مدیریتی، فرصت/بستر سازمانی)

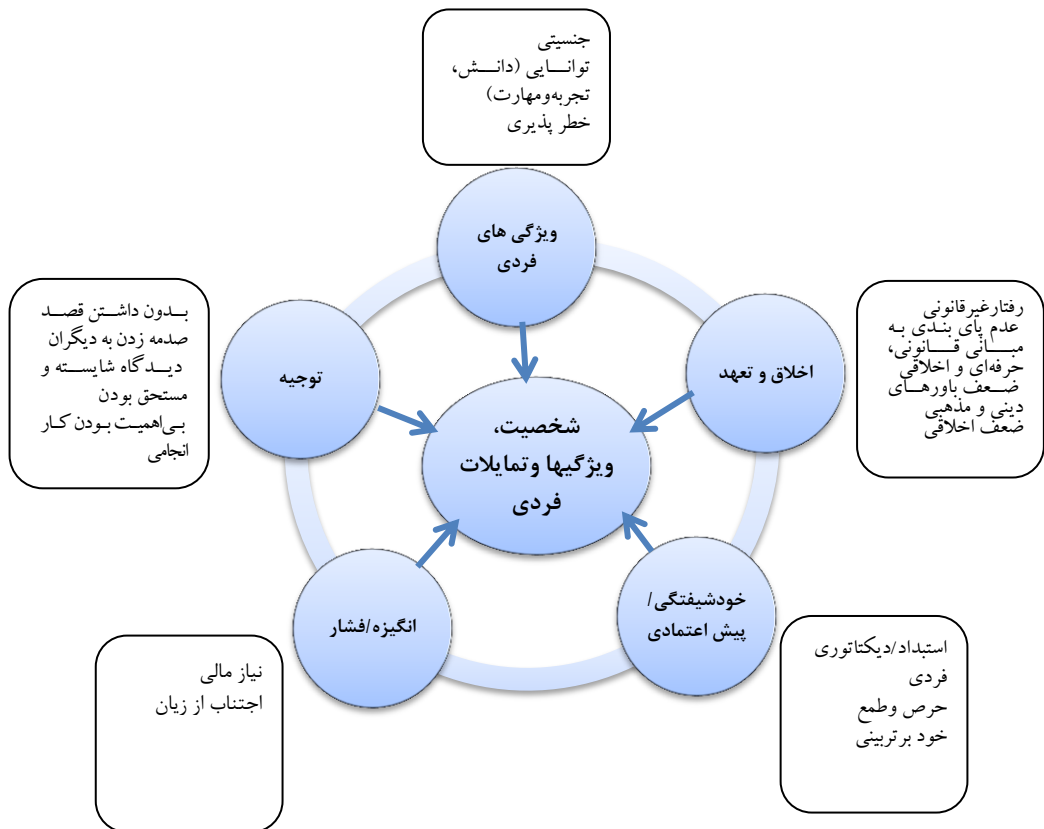
الف) تم اصلی عوامل شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی

طبق نظر خبرگان محور همه تقلب‌ها در دنیا انسان است و عامل فردی مهمترین متغیر در بروز تقلب است. به عبارتی وقتی موضوع تقلب عنوان می‌شود، باید به طور ناگزیری عوامل انسانی نیز مطرح شوند. در پاسخ‌های خبرگان به سوال مورد پرسش که چه ویژگی‌های فردی (شخصیتی و رفتاری) را به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی می‌دانید؟، پاسخ‌های مختلفی ارائه گردید: عواملی مانند استبداد (دیکتاتوری فردی)، حرص و طمع، ریسک پذیری فردی، رفتار غیر قانونی فرد، اخلاق فردی، باورهای دینی و مذهبی، انگیزه،

توجه، مهارت، تجربه، مرد یا زن بودن و سن فرد به عنوان تم‌های جزئی از مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان به روش تحلیل مضمون (تم) استخراج گردید. در ادامه تحلیل، عواملی که با همدیگر مفهوم مشابه داشتند در کنار همدیگر قرار گرفته و در زیر مجموعه مفهوم معناداری، با عنوان تم‌های فرعی «ویژگی‌های فردی»، «اخلاق و تعهد»، «خودشیفتگی/پیش‌اعتمادی»، «انگیزه/فشار» و «توجه» طبقه‌بندی شدند. نهایتاً تمامی تم‌های فرعی شناسایی شده این بخش تحت تم اصلی عوامل «شخصیتی، ویژگی‌ها و تمایلات فردی» شناخته شدند. شکل شماره (۲) مجموعه عوامل را تحت این تم اصلی نشان می‌دهد.

شکل ۲: عوامل «شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی» موثر بر وقوع تقلب در

صورت‌های مالی



در ادامه، نحوه استخراج عوامل ذکر شده در شکل ۲ (تم‌های فرعی به همراه زیر مجموعه هر تم فرعی)، با اشاره به برخی از نظرات خبرگان ارائه می‌شود. (توضیح همه تم‌ها به علت گستردگی آنها ممکن نبوده؛ از این رو گزیده‌ای از تم‌ها با اشاره به کدهای مربوط (همان اعداد داخل پرانتز در انتهای نقل قول‌ها است) شرح داده می‌شود).

۱- تم فرعی خود شیفتگی / بیش اعتمادی فردی

تحلیل گفته‌های خبرگان بیانگر اینست که: ویژگی‌های شخصیتی مانند «حرص و طمع»، «استبدادی/دیکتاتوری» و «خودبرتربینی» می‌توانند از رفتارهای موثر در وقوع تقلب باشند. در ادامه به برخی نظرات خبرگان برای نمونه در خصوص تم جزئی «حرص و طمع» پرداخته می‌شود:

"به نظر من اولین عامل در درجه اول به حوزه فردی ارتباط دارد و حرص و طمع بارزترین مشخصه تقلب و تخلف در فرد است" (EI0525).

"زیاده خواهی متقلب مورد نظر است، اینکه متقلب بتواند در خودش ... " (EI0453).
از پاسخ‌های مشابهی مانند فوق و با بکارگیری روش تحلیل مضمون، تم جزئی «حرص و طمع» استخراج شد. به همین نحو سایر تم‌های جزئی «استبدادی/دیکتاتوری» و «خودبرتربینی» بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده استخراج شدند و نهایتاً تحت تم فرعی «خود شیفتگی / بیش اعتمادی فردی» قرار گرفتند.

۲- تم فرعی اخلاق و تعهد فردی

نظر خبرگان بر این است: آسیب دیدن اخلاق و فرهنگ و ارزشهای انسانی از مهمترین پارامترهایی است که منجر به آسیب سازمانی می‌شود و یکی از اثرات عمده آن ظهور پدیده تقلب در سازمان است. ضعف اخلاقی هم در فرد و هم در محیط حاکم بر کسب و کار می‌تواند بروز کند. تم‌های جزئی شناسایی شده این تم عبارتند از: «رفتار غیر قانونی»، «عدم پای‌بندی به مبانی قانونی، حرفه‌ای و اخلاقی»، «ضعف باورهای دینی و مذهبی»، «ضعف اخلاقی». به طور نمونه نظر یکی از خبرگان به شرح زیر ارائه شده است که از چنین پاسخ‌های مشابهی تم جزئی «ضعف باورهای دینی و مذهبی» استخراج شده است.

"به تجربه دیده‌ام ضعف باورهای دینی و مذهبی پرسنل در خصوص صداقت و درستکاری از عوامل تقلب است" (MI0145).

۳- تم فرعی انگیزه/ فشار

خبرگان تم‌های جزئی «نیاز مالی فرد» و «اجتناب فرد از زیان» را از عوامل موثر بر وقوع تقلب می‌دانند، برخی از پاسخ‌ها به شرح زیر است:

"مدیری که نیاز مالی داره و زیر بار فشار مالی است نباید از این مدیر انتظار درستکاری را داشت شما در نظر بگیرید در صندوق این مدیره پنج میلیارد تومان وجه نقد بدون گردش وجود داره، حالا انتظار داری که آن مبلغ سرچاش بمونه و به بازار بورس توسط مدیره انتقال نیابه؟" (EI0415).

".... افراد معمولاً دوست دارند کمتر از جیب خود مایه بزارند تا درآمد بیشتری داشته باشند به پرداخت نکردن مالیات فکر می‌کنند تا افزایش سود" (EI0417).

۴- تم فرعی توجیه فردی

طبق نظر خبرگان، متقلبین معمولاً "در نظر خودشان «بدون داشتن قصد صدمه زدن به دیگران» هستند، آنها دارای «دیدگاه شایسته و مستحق بودن»، و «بی‌اهمیت بودن کار انجामी» خود می‌باشند. متقلبین چنین دیدگاهی را برای متقاعد کردن دیگران و حتی متقاعد نمودن خودشان دارند. این افراد ممکن است خود را مجاب کنند که این کارشان باعث بهبود وضعیت شرکت و هر کسی که مرتبط با آنهاست می‌شود. در واقع متقلبین نیازمند بهانه‌اند تا خود را توجیه نمایند. به طور پاسخ نمونه: "معمولاً افراد متقلب خوب صحبت می‌کنند ازش پرسی چرا فلان کار رو انجام دادی هزار و یک دلیل داره..." (EI0415).

دیدگاه‌های اشاره شده در این بخش به عنوان تم‌های جزئی تم فرعی «توجیه فردی» شناسایی شدند.

۵- تم فرعی ویژگیهای فردی

نظر خبرگان بر این است: فردی که دست به تقلب می‌زند با در نظر گرفتن تمامی جنبه‌های کار خود که در آینده به دام نخواهد افتاد چنین کاری را انجام می‌دهد. ایشان اعتقاد دارند مدیران یا کارکنانی که تقلب می‌کنند آدم‌های زرنگی هستند و دارای توانایی‌های لازم برای انجام کار تقلب می‌باشند. آنها بلد هستند چگونه کنترل‌های داخلی را دور بزنند چگونه سندسازی نمایند ثبت‌های حسابداری مطابق با استانداردها در دفاتر ثبت کنند که هیچ مغایرتی در ظاهر با اصل آنها نداشته باشند. به طور نمونه از پاسخ‌هایی

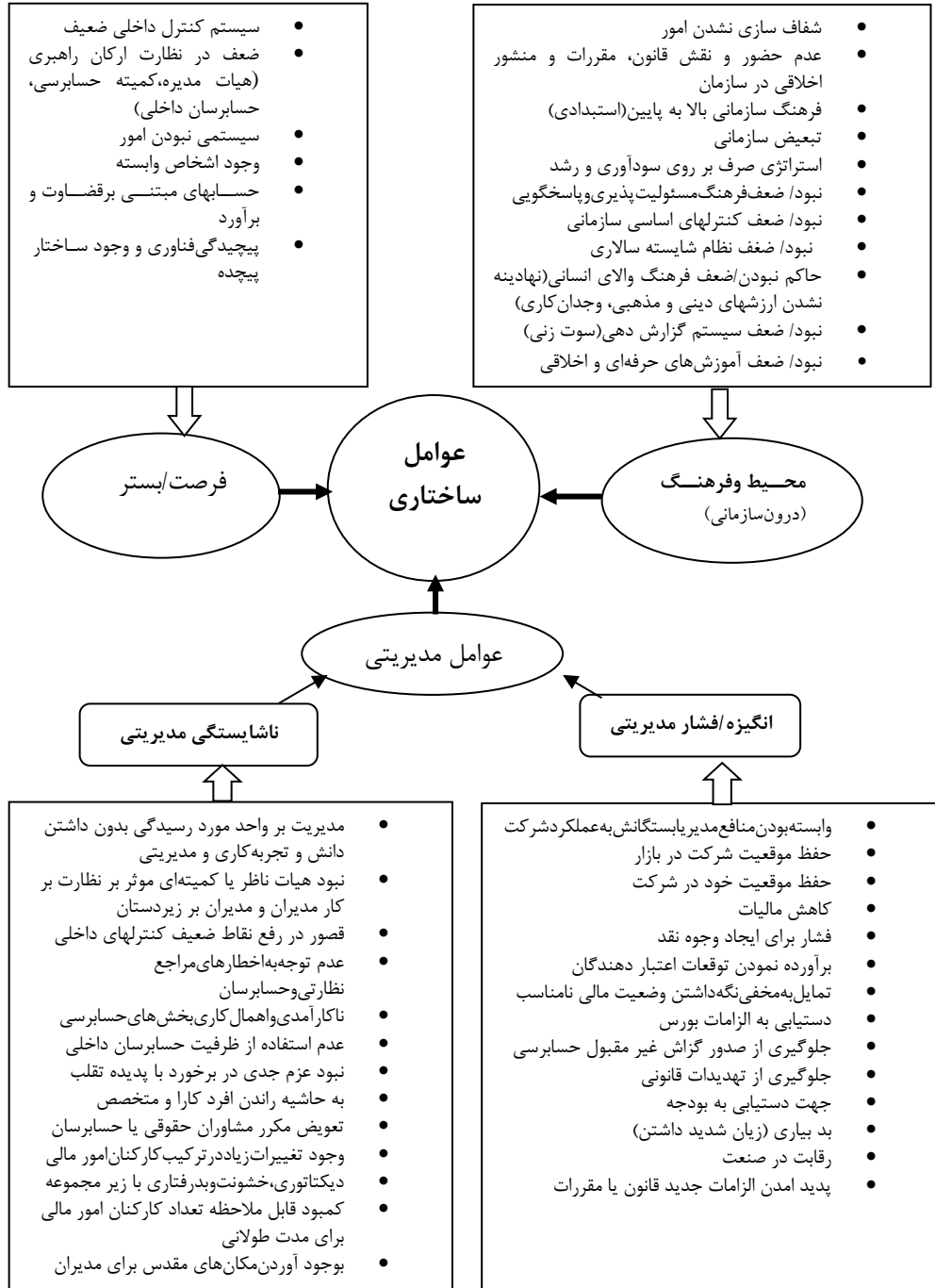
مانند: "به پرونده‌های دادگاهی آگه نگاه کنی می‌بینی شاکی و مشتکی عنه یا خواهان و خوانده بیشتر آقایان هستند اگر خانم‌ها را هم ببینی معمولاً" در کنارشان مردانی بودند که با مشارکت به کار خلافی (تقلبی) انجام داده‌اند تو سازمان‌ها هم دقت کنی خانم‌ها، اخلاقی برخوردار می‌کنند" (MI0451). نهایتاً "تم‌های جزئی «جنسیتی»، «توانایی (دانش، تجربه و مهارت)» و «خطر پذیری فردی» بر اساس تحلیل نظرات خبرگان شناسایی و تحت تم فرعی «ویژگی‌های فردی» قرار گرفتند.

در نهایت همه تم‌های شناسایی شده مربوط به سوال اول تحت تم اصلی «شخصیتی، ویژگی‌ها و تمایلات فردی» به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی شناسایی شدند.

ب) تم اصلی عوامل ساختاری

در پاسخ به سوال دوم «چه عوامل ساختاری درون سازمانی را به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی موثر می‌دانید؟»، عوامل «محیط و - فرهنگ»، «مدیریتی» و «بستر/فرصت» سازمانی در تحلیل نظرات خبرگان به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب شناسایی شدند. هر کدام از این عوامل (تم‌های فرعی شناخته شده) دارای تم‌های جزئی می‌باشند، از این رو همه این عوامل تحت عنوان «عوامل اصلی ساختاری» موثر بر وقوع تقلب صورت‌های مالی شرکت‌ها شناسایی و طبقه‌بندی شدند. شکل ۳ مجموعه عوامل را تحت این تم اصلی نشان می‌دهد.

شکل ۳ عوامل «ساختاری» موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی



در ادامه به اجمال به شرح هر کدام از این عوامل پرداخته می‌شود:

۱- تم فرعی محیط و فرهنگ سازمانی

خبرگان معتقدند عوامل محیطی و فرهنگی سازمان بر موفقیت یا شکست سازمان تاثیر فوق‌العاده‌ای دارد و برقراری کدهای اخلاقی عامل اساسی در جلوگیری از تخلفات و تقلبات سازمانی محسوب می‌شوند. موقعی که بر جو سازمان، فرهنگ درستکاری، صداقت، حفظ ارزش‌ها، تکریم ارباب رجوع، رعایت قوانین و مقررات حاکم است و راهبری سازمان به دنبال پی‌ریزی و پیگیری و استحکام این ارزش‌هاست، باطبع محیط سازمان در راستای عاری سازی از تخلف و تقلب حرکت خواهد کرد. شفاف سازی امور، تدوین برنامه‌های آموزشی برای آموزش اخلاق حرفه‌ای، تصویب قوانینی مانند قانون ساربنز آکسلی^{۴۳} (مصوب ۲۰۰۲ آمریکا)، تدوین استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و... برای جلوگیری از نقص‌ها، تخلفات و تقلبات حرفه‌ها عامل مهم محسوب می‌شوند. بر این اساس عواملی چون «شفاف سازی نشدن امور»، «عدم حضور و نقش قانون، مقررات و منشور اخلاقی در سازمان»، «فرهنگ سازمانی بالا به پایین (استبدادی)»، «تبعیض سازمانی»، «استراتژی صرف بر روی سودآوری و رشد»، «نبود/ضعف فرهنگ مسئولیت پذیری و پاسخگویی»، «نبود/ضعف کنترل‌های اساسی سازمانی»، «نبود/ضعف نظام شایسته سالاری»، «حاکم نبودن/ضعف فرهنگ والای انسانی (نهادینه نشدن ارزش‌های دینی و مذهبی، وجدان کاری)»، «نبود/ضعف سیستم گزارش دهی (سوت زنی)»، «نبود/ضعف آموزش‌های حرفه‌ای و اخلاقی» در زیر مجموعه این تم شناسایی شدند. در ادامه به چند مورد از نقل قول‌های خبرگان اشاره می‌شود:

"نظارت ناکافی توسط مدیران بر زیردستان را نباید دست کم بگیری، اگر در سازمانی فرهنگ کنترل وجود داشته و یا فرهنگی بر وجود سوت‌زنی تقلب باشه، حتما جلوی بسیاری از تقلبات گرفته می‌شود" (MI0525).

"معمولا" در این شرکت‌ها (متقلب) مدیران طوری عمل می‌کنند که هیچ کس جرأت هیچ اظهار نظری به خود نمی‌دهد" (MI1032).

"به تجربه دیده‌ام شرکت‌هایی که تقلب نموده‌اند نه منشور اخلاقی و دستورالعمل سازمانی داشتند و نه از اخلاقیات انسانی مانند درستکاری، صداقت و وجدان کاری خبری بود. اگر دستورالعملی نیز داشتند بدان عمل نکرده‌اند. در این شرکت‌ها شایسته سالاری

حاکم نیست ملاک پیشرفت مطیع بودن فرد است و...." (MI0917).
 "مدیران شرکت‌ها باید محیط اخلاقی در شرکت ایجاد نمایند البته این نمی‌شود مگر اینکه خودشان اول پایبند به این اصول باشند تا دیگران هم رعایت نمایند." (MI0528).

۲- تم فرعی عوامل مدیریتی :

تم فرعی عوامل مدیریتی تقلب شرکت‌ها خود در دو تم فرعی تر (دو بخش) «ناشایستگی مدیریتی» و «انگیزه/فشار مدیریتی»، به شرح زیر مورد بحث خبرگان بود.

۱-۲- ناشایستگی مدیریتی:

برآیند نظر خبرگان بر این است که یکی از عوامل احتمالی اثرگذار بر وقوع تقلب حاکم بودن مدیریت ناشایست بر مجموعه است تم‌های جزئی (شاخصه‌های) مدیریت ناشایست عبارتند از: «مدیریت بر واحد مورد رسیدگی بدون داشتن دانش و تجربه کاری و مدیریتی»، «نبود هیات ناظر یا کمیته‌ای موثر بر نظارت بر کار مدیران و مدیران بر زبردستان»، «قصور در رفع نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، در جایی که چنین کاری عملی است»، «عدم توجه به اخطارهای مراجع نظارتی و حساب‌رسان»، «ناکارآمدی و اهمال کاری بخش‌های حسابرسی و بازرسی»، «عدم استفاده از ظرفیت حساب‌رسان داخلی»، «نبود عزم جدی در برخورد با پدیده تقلب»، «به حاشیه راندن افراد کارا و متخصص»، «تعویض مکرر مشاوران حقوقی یا حساب‌رسان»، «وجود تغییرات زیاد در ترکیب کارکنان اصلی امور مالی»، «دیکتاتوری و خشونت و بدفتاری با زیر مجموعه»، «کمبود قابل ملاحظه تعداد کارکنان امور مالی برای مدت طولانی» و «بوجود آوردن مکان‌های مقدس برای سمت‌های مدیریتی». نقل قول خبره:

"طبیعی است از مدیری که از راه‌های متقلبانه یا برحسب روابط نامعلومی به سمتی گمارده شده است که نه تنها شناختی از آن ندارد بلکه از اساس از وظایف کارکرد کنترل-های داخلی، حساب‌رسان داخلی، حساب‌رسان مستقل، روزه‌های بروز تقلب در سازمان، فرهنگ صداقت و اخلاق حرفه‌ای و... چیزی نمی‌داند یا نمی‌خواهد بداند، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که بتواند سیستم کنترل‌های داخلی مناسبی به منظور جلوگیری و کاهش شانس تقلب را تعیین نماید یا در صورت تعیین، آن را به درستی و با کمال دقت اجرا کند و..." (MI0722).

۲-۲- انگیزه یا فشار مدیریتی:

از نظر خبرگان یکی از عوامل اصلی بوجود آمدن تقلب، انگیزه مدیریت برای دستیابی به اهداف مربوط می باشد. زمانیکه مدیریت منافع مالی شخصی عمده در واحد تجاری دارد برای مثال خود یا بستگانش سهامدار شرکت باشند یا حقوق و مزایای مدیریت با نتایج عملیات و وضعیت مالی در ارتباط باشد در این شرایط برای مدیریت و سوسه تقلب وجود دارد. انگیزه و فشارهایی مانند «کاهش دادن مالیات بر درآمد» در شرکت‌هایی که مالکان آنها نگران این نیستند که تحلیل گران یا گروه بزرگی از سهامداران را تحت تاثیر قرار دهند؛ وقتی شرکت در دستیابی به اهداف خود با مشکل اساسی مواجه می شود؛ به دنبال برآورده نمودن توقعات غیر واقعی اعتبار دهندگان است؛ به دنبال افزایش قیمت سهام شرکت است؛ به دنبال عواملی انگیزشی مانند حفظ سهم بازار و ... است، این عوامل احتمالاً منجر به تقلب در شرکت خواهند شد. برخی پاسخ‌های خبرگان:

"در صورتیکه در یه شرکتی پاداش براساس درصد ثابتی از سود باشد برای مثال سود پیش بینی یه مبلغ ثابت فرضاً ۵۰ میلیارد ریال باشد و در صورت تحقق، توافق بر این است که مدیریت درصدی از آنرا فرضاً یک درصد از آن را برداشت نماید و حال این سود به ۴۸,۵ میلیارد برسد آیا به نظر تان مدیریت و سوسه نمی شود تا کاری کند و دسته کم از طریق ثبت‌های حسابداری به پاداش خود برسد؟" (MI0915).

"در کشور ما معمولاً شرکت‌های خانوادگی یا شرکت‌های سهامی خاص که دنبال نشان دادن سود یا افزایش قیمت سهام خود در بازار نیستند هر چه قدر سود را بتوانند کمتر نشان دهند متناسب با آن مالیات کمتری پرداخت خواهند نمود در این راستا با هزینه تراشی سعی در کاهش سود هستند" (MI0533).

۳- تم فرعی بستر - فرصت سازمانی

فرصت، وضعیت یا موقعیتی است که امکان می دهد فرد به خود اجازه دهد از شرایط به دست آمده استفاده نموده و اهداف متقلبانه خود را عملی نماید. از نظر خبرگان «وجود ضعف در کنترل‌های داخلی (که خود با عوامل مختلفی در ارتباط است)»، «ضعف نظارت»، «سیستمی نبودن امور»، «وجود اشخاص وابسته»، «حسابهای مبتنی بر برآوردهای عمده و قضاوت‌های مدیریتی (که نمی توان آنرا به راحتی به چالش کشید)»، از جمله عواملی هستند که فرصت تقلب را برای فرد (مدیر، کارمند یا شخص ثالث برون سازمانی) ایجاد می

نماید. در ادامه به علت اهمیت هر یک از تم‌های جزئی شناسایی شده این بخش از دیدگاه خبرگان به توضیح هریک از این تم‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۳- سیستم کنترل‌های داخلی ضعیف: از نظر اکثریت قریب به اتفاق خبرگان، ضعف در کنترل‌های داخلی مهمترین عامل فرصت برای ارتکاب تقلب محسوب می‌شود که این امر امکان تقلب برای سطوح مدیریتی، کارکنان و هم‌اشخاص خارج از شرکت ایجاد می‌نماید. سیستم کنترل داخلی موجب پیشبرد اهداف فرایندهای واحدهای مختلف شرکت در راستای رعایت قوانین و مقررات حاکم بر گزارشگری مالی و فعالیت عملیات می‌شود. شرکت‌هایی که در آن‌ها تقلب بوجود می‌آید ضعف ساختار کنترل داخلی نیز وجود دارد. کنترل‌های داخلی یکی از قوی‌ترین عوامل کاهش دهنده ریسک تقلب هستند. اقدامات پیشگیرانه کنترل‌های داخلی علاوه بر این که مدیریت و کارکنان را از وجود سامانه قوی کنترلی آگاه می‌سازد، می‌تواند منجر به کشف معاملات و روندهای غیر معمول عادی در شرکت شود و در غیاب کنترل‌های داخلی قوی و یا نبود آن فرصت تقلب برای متقلبین وجود دارد.

۲-۳- ضعف در نظارت ارکان راهبری: این تم خود در بردارند تم‌های جزئی تر هیات مدیره، کمیته حسابرسی و حسابرسان داخلی است.

۱-۲-۳- هیأت مدیره: برآیند نظرات خبرگان بر این است هر چه هیأت مدیره شرکتی مستقل باشد وظایف مرتبط با هیات مدیره که یکی از مهمترین آنها وظیفه نظارتی است بهتر خواهد بود و در امور شرکت قضاوت بی‌طرفانه خواهند داشت چرا که حضور مدیران غیرموظف منجر به افزایش نظارت بر عملکرد شرکت می‌شود. اگر هیات مدیره در شرکت ذینفع نباشد به همان اندازه کمیته حسابرسی و سایر کمیته‌هایی که زیر نظر هیأت مدیره هستند مستقل عمل خواهند نمود. هیات مدیره مستقل تر باشد وظیفه امانتداری خوبی در راستای منافع سهامداران ارائه خواهد کرد. دریافت مزایا از شرکت، دریافت وام از شرکت یا حضور مستقیم یا غیر مستقیم در قراردادی که یک طرف آن شرکت تحت رهبری خودش می‌باشد به راحتی فساد انگیز و موجب تقلب می‌باشد. تفکیک نمودن ریاست هیأت مدیره از مدیر عامل نقش بسزایی در استقلال هیات مدیره دارد. قدرت نامحدود مدیر عامل منجر به تضعیف وظایف هیأت مدیره می‌گردد و نداشتن تخصص هیات مدیره این نقش را پررنگ می‌کند. برخی نقل قول‌ها به شرح زیر است.

"ضعف نظارت هیأت مدیره در شرکت‌های ایرانی خیلی دیده می‌شود همیشه گفت هیأت مدیره در شرکت‌ها نماینده مدیر عامل محسوب می‌شود. مدیر عامل همه کاره شرکت است خود دستور جلسات را صادر می‌کند، اهداف خود را به تصویب هیأت مدیره می‌رساند، در انتخاب اعضای جدید نقش بارزی ایفا می‌کند و...حالا شما از این مدیر عامل چه انتظار نظارتی و به نفع سهامداران می‌توانی داشته باشی. متاسفانه در بانک‌های ما هم این موضوع مبتلابه است همین آقای که چند وقت پیش چند میلیارد برداشت و فرار کرد کی بود؟ خود در سیستم بانکداری ما مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره بود" (EI0120).

"خیلی دیده میشه که بیشتر اعضای هیأت مدیره اصلا سواد لازم در حوزه عملیات شرکت ندارند و مدیر عامل که خودش هم رئیس تصمیم‌گیر و هم امور شرکت را جلو می‌بره ..."(MI0917).

۲-۳- کمیته حسابرسی: خبرگان اعتقاد داشتند هر چه کمیته حسابرسی کارا و مستقلی وجود داشته باشد به همان اندازه هر دو حسابرسی، هم مستقل و هم داخلی با کیفیت خواهد بود. کمیته حسابرسی فعال می‌تواند نقش مهمی در استقلال حسابرسی‌ها ایجاد نماید. اگر کمیته حسابرسی خود حساب‌برسان مستقل را به صورت دوره‌ای انتصاب نماید یا گزارشات حساب‌برسان مستقل و داخلی را خود دریافت نماید و نقاط ضعف کنترل‌های داخلی را پیگیر باشد نظارت خوبی در شرکت اتفاق می‌افتد. البته هر چه این کمیته تخصصی و مستقل باشد به همان اندازه در جلوگیری از تقلب نقش بارزی خواهد داشت. اعتقاد بر این بود سازمان بورس می‌تواند مقرراتی تدوین نماید که شرکتها موظف باشند از وجود حسابداران رسمی که کارشناس رسمی دادگستری نیز می‌باشند استفاده نمایند این امر در جلوگیری از وقوع و پیشگیری از تقلب بسیار کارساز خواهد بود.

۳-۲- حساب‌برسان داخلی: خبرگان به اتفاق معتقدند اولین مدافعان شرکت در برابر تقلب‌های مالی حساب‌برسان داخلی شرکت هستند زیرا محیط شرکت را به خوبی می‌شناسند و بر کنترل‌های داخلی احاطه دارند. نبود یا ضعف در این حوزه عامل موثر اساسی در بروز تقلب، و خبرگی، مهارت و قوی بودن حوزه حسابرسی داخلی مهمترین عامل در مبارزه با تقلب محسوب می‌شود

۳-۳- سیستمی نبودن امور: خبرگان معتقدند در نظام کنونی کسب و کار با چالش‌های گوناگون نظیر گستردگی تعاملات بیرونی و درونی و حجم مبادلات مالی و غیرمالی مواجه

هستیم. سیستمی نمودن امور علاوه بر وجود مزایای سازمانی و غیرسازمانی در جهات مختلف، نقش بارزی در نظارت و شفاف سازی فرایندها ایفا می‌کنند. نظارت‌های فیزیکی و دستی عملاً قادر به نظارت بر این همه تعاملات روزمره سازمان‌ها نیستند. وجود سیستم‌های نظارتی و تقلب‌یاب در شرکت‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. وجود سیستم‌های اطلاعات حسابداری، سیستم‌های پشتیبانی منابع انسانی، سیستم‌های خرید، فروش، قیمت‌تمام‌شده، انبارداری، تدارکات، سیستم‌های فروش سهام، و ارتباط آنها با همدیگر و همچنین با سیستم‌های برون سازمانی، نظیر مالیاتی، بانکی، بیمه‌ای، ثبت احوال و نظایر این سیستم‌ها، نقش بسزایی در کشف و ردیابی تقلبات و موارد مشکوک به تقلب دارد. به یک نمونه از نظرات خبرگان اشاره می‌شود.

"... مدیری را می‌شناسم که سهام شرکت را با سوء استفاده از اطلاعات نهانی به خویشان خود با قیمت پایین فروخت و سپس منافع آن را خود برد، اگر سیستم بود مشخصات خریداران در سامانه ثبت احوال به سامانه شرکت وصل بود و حسابهای بانکی این مدیر و وابستگانش طبق قانون قابل ردیابی بود دیگر کسی جرأت این چنین تقلب گسترده‌ای را نداشت" (MI0914).

۳-۴- وجود اشخاص وابسته:

خبرگان معتقدند اشخاص وابسته به علت نفوذ و تاثیر گذاری آنها بر تصمیمات و معاملات شرکت، توانایی انجام تقلب در روابط خود با شرکت را دارند. روابط با اشخاص وابسته ممکن است فرصت بیشتری برای تبانی، پنهانکاری یا دستکاری توسط مدیران اجرایی فراهم کند. نظریکی از خبرگان در این خصوص به شرح زیر است:

"اشخاص وابسته راحت‌ترین و بهترین فرصت تقلب در شرکت‌هاست در کشور ما هم متأسفانه تقلب‌هایی از این طریق صورت می‌گیرد و بدتر از آن ایجاد اشخاص و شرکتهای وابسته صورتی است. روابط با اشخاص وابسته فرصت بیشتری برای تبانی، پنهان کاری یا دستکاری توسط مدیران اجرایی فراهم می‌کند" (EI0116,42).

۳-۵- حسابهای مبتنی بر قضاوت و برآورد

خبرگان بیان داشتند که اصول پذیرفته شده عمومی حسابداری در بسیار نواحی قضاوتی است لذا برای مدیر متقلب بستری وجود دارد که به راحتی بدون اینکه مورد بازخواست قرار گیرد می‌تواند نقشه خود را عملی سازد. برآورد مطالبات سوخت شده،

موجودی‌های ناباب، برگشت محصولات، ارزش خالص بازیافتی، درصد پیشرفت کار و امثال این حسابهای مبتنی بر قضاوت، فرصت تقلب برای مدیران متقلب است. نظر یکی از خبرگان در این خصوص به شرح زیر است:

"یکی از مطمئن‌ترین راه‌های تقلب استفاده از حساب‌هایی است که طبق اصول پذیرفته شده حسابداری بر مبنای قضاوت مدیران ارزشیابی می‌شوند مانند برآورد ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، موجودیهای ناباب، حسابداری به روش درصد تکمیل کار و مانند اینها، برای یه مدیر با هوش آسان‌ترین و قابل تائیدترین راه همین روش است چون به راحتی کسی نمی‌تواند موضع مدیری را که خود دلایل مخصوص بر اساس شناخت و تجربه کاری که از شرکت دارد را به چالش بکشد. فرضاً" در شرکتی موجودی ناباب وجود دارد که مدیریت برای افزایش سود اینها را موجودی سالم تلقی می‌نماید و یا سوخت مطالبات را با دلایل توجیح پذیر خود کم یا زیاد در نظر می‌گیرد و حسابرس هم به آسانی نمی‌تواند این برآورد مدیر را زیر سوال ببرد. به طور مثال در نظر بگیری مدیریت موجودی را ۳ میلیارد نشان می‌دهد با این حال حسابرس این موجودی‌ها را ناباب تلقی می‌نماید ولی مدیر اعتقادی به گفته حسابرس ندارد در این بین نتیجه مناقشات این باشد که صرفاً ۱,۵ میلیارد ناباب است، پس نتیجه این شد که ۱,۵ میلیارد مدیریت توانست به راحتی و بدون هیچ دغدغه‌ای حسابسازی نماید" (EI0161,42).

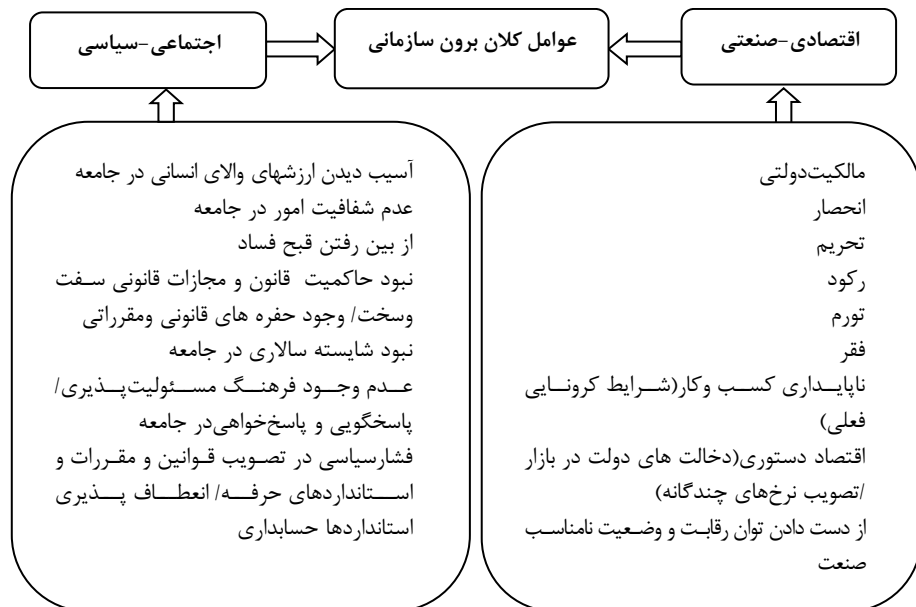
۶-۳- پیچیدگی فناوری و وجود ساختار پیچیده

خبرگان اعتقاد دارند علی‌رغم مزایای فناوری اطلاعات، این فناوری کنترل‌های داخلی واحد تجاری را در معرض خطر تقلب قرار می‌دهد به طور مثال از طریق دسترسی غیر مجاز به داده‌ها، تغییرات غیر مجاز در سیستم‌ها و نمونه‌های دیگر که ممکن توسط متخصصین فناوری صورت پذیرد. پیچیدگی ساختار سازمانی مانند ساختارهای مالکیت و راهبری آن، دستورالعمل‌ها، استانداردها، قوانین، عملیات، سرمایه‌گذاری‌های مختلف و امثال این پیچیدگی‌های سازمانی به علت گستره آنها، از بسترهای تقلب محسوب می‌شوند. نظر خبره: "متقلبان همواره درصدد یافتن راه‌های جدیدی هستند و با وجود نوآوری و تلاش‌های قانونگذاری و ضابطه‌گذاری، متقلبان در حال دگردیسی روش‌های خود هستند و به نظر می‌رسد گاه متقلبان از قانون پیشی گرفته‌اند زیرا فناوری اطلاعات، پیچیدگی زیادی یافته و بسترهای نوینی برای تقلب فراهم آورده است" (MI1532).

در نهایت همه تم‌های جزئی شناسایی شده مربوط به تم‌های فرعی عوامل «محیط و فرهنگ سازمانی»، «مدیریتی» و «فرصت/بستر سازمانی» در زیر مجموعه تم اصلی «عوامل ساختاری موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی» شناسایی شدند.

پ) تم اصلی عوامل کلان برون سازمانی (اقتصادی-صنعتی، سیاسی-اجتماعی) در پاسخ سوال سوم که چه عوامل صنعتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در وقوع تقلب شرکت‌های ایرانی نقش دارند، تم‌های «عوامل اقتصادی - صنعتی» و «اجتماعی - سیاسی»، به شرح زیر استخراج و تعیین شدند. خبرگان به اتفاق معتقدند که شرکت‌ها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از عوامل کلان اشاره شده تاثیر پذیرند و این عوامل، اثر خود را از بیرون سازمان بر سازمان‌ها تحمیل می‌نماید. شکل ۴ مجموعه عوامل را تحت این تم اصلی نشان می‌دهد.

شکل ۴ عوامل «کلان برون سازمانی» موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی



در ادامه به اجمال به شرح هر کدام از این عوامل پرداخته می‌شود:

۱- تم فرعی عوامل اقتصادی - صنعتی

خبرگان اعتقاد دارند انحصاری بودن بازار، نبود سیستم رقابتی و عدم شفافیت اطلاعات می‌تواند برای افرادی که به اطلاعات خاصی دسترسی پیدا می‌کنند، رانت ایجاد کند. مهم‌ترین علل فساد و تقلب مالی اقتصادی در بخش اقتصادی به تصدی‌های دولت در اقتصاد مربوط می‌شود. اقتصاد دستوری، محدودیت‌ها و سهمیه‌بندی‌های تجاری و ارزی، چند نرخ بودنی و سیستم غیر رقابتی و متمرکز منجر به فساد و تقلب می‌شود. فساد اقتصادی سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کندی رشد اقتصادی و در نهایت باعث عدم تحقق اهداف توسعه اقتصادی در کشور می‌شود. درآمدهای مالیاتی کاهش می‌یابد و کیفیت زیر ساخت‌های اقتصادی و خدمات عمومی تنزل پیدا می‌کند. تقلب در صنعت به صنعت (شرکت به شرکت) متفاوت می‌تواند باشد در برخی از شرکت‌ها ممکن بر اساس یک سری رقابت‌ها و اشباع شدن بازار، شرکت دست به تقلب بزند، به مصداق بارز آن (شرکت انرون یا ولد کام) اشاره گردید که در این شرکت‌ها یکی از دلایل تقلب از دست دادن توان رقابت و وضعیت نامناسب صنعت بود و یا سرعت تغییرات در صنعت مانند آسیب پذیری‌های بالا در مقابل تغییر سریع تکنولوژی، خطر ورشکستگی قریب الوقوع و وضعیت وخیم مالی صنعت‌ها است که تاثیر به‌سزایی در ایجاد تقلب دارند. بر اساس نظرات خبرگان عوامل «مالکیت دولتی»، «انحصار»، «تحریم»، «رکود»، «تورم»، «فقر»، «ناپایداری کسب و کار (شرایط کرونایی فعلی)»، «اقتصاد دستوری-تصویب نرخ‌های چندگانه و دخالت‌های دولت»، «از دست دادن توان رقابت و وضعیت نامناسب صنعت»، «آسیب‌پذیری بالا در مقابل سرعت تغییرات تکنولوژی در صنعت»، «خطر ورشکستگی قریب الوقوع و وضعیت وخیم مالی صنعتها» جزو عوامل اقتصادی - صنعتی طبقه‌بندی گردید. به برخی از نظرات خبرگان که تم‌های مزبور استخراج شده‌اند در ادامه اشاره می‌شود:

"موقعی که کشور تحریم می‌شود راه‌های دور زدن تحریم برای شرکتهایی مانند پالایشی می‌شود راه مناسب برای فروش و آوردن ارز" (EI0234).

"شرایط کرونایی و ناپایداری کسب و کارها و احتمال آسیب‌پذیری بنگاهها، رها سازی اقتصاد و دولت ناکارآمد و مزاحم کسب و کارها از عوامل توجیهی تقلب برای مدیران است" (EI0248).

"دخالت دولت در بازار و کاهش رقابت منجر به فضای رانتی، فساد و تقلب در بازار است" (MI1533).

"به کشورهایی که فقیر هستند نگاه کنید این کشورها فساد و تقلب هم زیاد دارند" (MI1540).

۲- تم عوامل اجتماعی - سیاسی

خبرگان پارامترهای فرهنگ حاکم بر جامعه را به عنوان عوامل تاثیرگذار بر تقلب در جامعه می‌دانند آنها بیان نمودند: عواملی مانند «آسیب دیدن ارزشهای والای انسانی در جامعه»، «نبود آزادی رسانه‌ها و شفاف‌سازی امور و سانسور حقایق (عدم شفافیت امور)»، «نبود حاکمیت قانون و مجازات قانونی سرسخت»، «نبودشایسته سالاری در جامعه»، «عدم مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی»، «پایین آمدن قبح فساد و تقلب در میان اقشار مردم» نقش بسزایی در فساد و تقلب در جامعه داشته و نهایتاً تاثیر خود را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر صورتهای مالی شرکت‌ها خواهد گذاشت. نظرات خبرگان به صورت خلاصه برای هر یک از عوامل به شرح زیر است:

۲-۱- آسیب دیدن ارزشهای والای انسانی در جامعه

برآیند نظرات خبرگان: جامعه آمیخته از رذیلت‌های ریاکاری، نفاق، دروغ، زرنگی و... نمی‌تواند افراد شایسته و درست کردار تربیت نماید. اخلاق حرفه‌ای، احترام به هم‌نوع، ترویج عدالت و انصاف، جلوگیری از روحیه مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی، نهادینه نمودن ارزشهای دینی و مذهبی، وجدان کاری و... ارزش‌های والای انسانی هستند و هر چه در یک جامعه نهادینه شوند از ناهنجاری‌های اخلاقی پیشگیری خواهند نمود.

۲-۲- نبود شفافیت امور در جامعه

خبرگان در این خصوص اظهار می‌دارند هر چه قدر رسانه‌ها اعم از فضای مجازی، روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون آزادی داشته باشند و بتوانند در جامعه ایجاد شفافیت نمایند این امر موجب شفافیت عملیات و امور نهادهای خصوصی (شرکت‌ها) و دولتی می‌شود و نهایتاً "شفاف‌سازی منجر به کاهش فساد و تقلب می‌گردد چون افراد آن جامعه می‌دانند که کوچکترین خطای آنها رسوایی و پاسخ‌دهی جامعه را دنبال داشته و این مهم منجر به تقویت نظارت شهروندان می‌شود. برخی نظرات:

"تقویت نظارت شهروندان و استفاده از این ابزار نظارتی خیلی تاثیر در جلوگیری از تقلب دارد و ..." (EI0117).

"شما همین حقوق‌های نجومی را در نظر بگیرید چه کسی اینها را افشا کرد؟ و منجر به رسوایی یه عده‌ای گردید" (MI0918).

۲-۳- از بین رفتن قبح فساد در جامعه

از بین رفتن قبح فساد به معنای عادی شدن فساد در جامعه است عمل قبیح از نظر هنجارها و ارزشهای یک جامعه، یک عمل ناصحیح و منفی تلقی می‌شود. خبرگان اعتقاد دارند در جامعه‌ای که یک عمل خلافی عادی می‌شود در آن جامعه مردم تسهیل‌کننده آن عمل ناصحیح می‌شوند، در این صورت اعمال دیگری مانند رشوه دادن به یک مدیر شرکت آنچنان هم ناپسند تلقی نمی‌شود، بلکه روشی برای پیشبرد اهداف و زودتر به نتیجه گرفتن کارهای‌شان تلقی می‌گردد، در نتیجه نظارتی از سوی مردم انجام نمی‌شود و بدتر از آن، خود مردم هم به این اعمال منفی دامن هم خواهند زد.

"به تصور من، قبح اختلاس و تقلب مدیران در کشور ما در میان مردم از بین رفته، مردم دیگر به فسادها واکنش نشان نمی‌دند نظارت مردم کم رنگ شده و..." (MI0437).

۲-۴- نبود حاکمیت قانون و مجازات قانونی سرسخت / یا وجود حفره‌های قانونی

طبق نظر خبرگان نبود یا خلاء قانون در بخش خصوصی برای جلوگیری از تقلبات محرز بوده و فقدان این امر جرأت اقدام به متقلین داده و یکی از علل بروز تقلب محسوب می‌شود آن‌ها اعتقاد دارند که برای جلوگیری از تقلب، محیط تقلب را برای متقلبان باید آسیب‌پذیر نمود.

۲-۵- نبود فرهنگ مسئولیت‌پذیری / پاسخ‌خواهی و پاسخگویی در جامعه

در این خصوص به چند نظر خیره اشاره می‌شود:

"فقدان شناخت کافی از حق حساب‌خواهی است که به نوعی محیط امن برای متقلب بوجود می‌آورد اعم از تقلب در گزارشگری مالی و غیر آن، خلاء این شناخت از حق حساب‌خواهی است که قبل از هر چیز دیگر به متقلب فرصت تقلب می‌دهد" (EI0126).

"...اینکه متقلب بتواند در خودش توجیه کافی برای تعرض به حقوق دیگران را احساس نماید و خود را محق بداند که دست به تقلب بزند. دوباره باید به حق حساب‌خواهی بازگشت" (EI0145).

۲-۶- نبود شایسته‌سالاری در جامعه

خبرگان معتقد هستند در جامعه‌ای که شایسته‌سالاری وجود نداشته باشد انتظاری برای

برقراری ساختار کنترل داخلی، حسابرسی داخلی، تدوین و برقراری اخلاق و فرهنگ سازمانی و ... وجود ندارد؛ و شایستگان هستند که امور را مدیریت نموده و به اهداف از پیش تعیین شده با کمک‌گیری از سایر ابزار دست می‌یابند.

"از کسی که بدون داشتن تخصص و مهارت به پست مدیریتی تکیه زده است می‌توان انتظار داشت کنترل داخلی برقرار کند؟!، خودش صداقت داشته باشد و ... (MI0752).

۲-۷- فشار سیاسی در تصویب قوانین و مقررات و استانداردهای حسابداری، و انعطاف‌پذیری استانداردها

مطابق نظر خبرگان، عواملی مانند نحوه تنظیم سیاستهای قانونی و مقرراتی، چگونگی برخورد با متقلبان، استانداردگذاری حسابداری و حسابرسی، مالیاتی، انعطاف‌پذیر نمودن استانداردها از عوامل تاثیرگذار و بوجود آوردن روزنه برای متقلبان محسوب می‌شود. مقررات دست و پاگیر در دهه‌های اخیر با وجود رشد تکنولوژی، بخش خصوصی یا حتی خود بخش دولتی را مجبور به دور زدن قانون می‌کند که پایه و اساس فساد و تقلب را پی-ریزی می‌نماید. برخی نظرات:

"در کشوری که نهادهای قانونی و مقررات‌زا بر اساس باب میل و منافع خود قانونی را تدوین می‌کنند این قانون می‌شود روزنه تقلب، این همه پیچیدگی قوانین بی‌اثر، می‌شود مفری برای گریز از قانون، چون قوانین ما تفسیر پذیرند، قانون، سیاسی تدوین شده است برای منافع یه قشر خاص. قانون جدید تسهیل کسب و کار که الان در مجلس تصویب شده، مصداقی از این موارد است" (EI0343).

"الان شما استانداردها حسابداری را با قوانین مالیاتی در نظر بگیرید ما نشستیم از دید کلی و بدون تعصب قانون وضع کنیم شرایط جامعه کشورمان را در نظر بگیریم استانداردها الزام شده، قوانین مالیاتی هم هست، حالا مدیر از دو دفتر استفاده می‌کنه و توجیه‌پذیر هم برایش است. توجیهش هم تفاوت نحوه تجدید ارزیابی در استانداردها با قانون مالیاتی است که ... (EI0329)

نهایتاً همه تم‌های جزئی شناسایی شده به شرح فوق در عنوان تم‌های فرعی عوامل اقتصادی - صنعتی و اجتماعی - سیاسی و در نهایت تحت تم اصلی عوامل کلان برون سازمانی موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی قرار گرفتند.

روایی و پایایی الگوی این تحقیق به روش‌های زیر تأیید شده است:

۱- بیشتر عوامل فردی و ساختاری (با زیر مجموعه علل فرصت/بستر سازمانی) موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی که در این پژوهش شناسایی شده است در نظریه‌ها و پژوهش‌های قبلی نیز شناسایی شده است. عوامل ساختاری با زیر مجموعه «محیط و فرهنگ سازمانی»، «ناشایستگی مدیریتی»، «انگیزه/فشار مدیریتی» و عوامل «کلان برون سازمانی» با زیر مجموعه علل «اقتصادی-صنعتی» و «اجتماعی-سیاسی» شناسایی شده بیشتر ناشی از شرایط حاکم بر محیط کشور می‌باشد که در پژوهش‌های قبلی شناسایی نشده‌اند.

۲- مصاحبه شوندگان این تحقیق دارای تجربه کافی در زمینه حسابرسی و تقلب‌یابی شرکت‌ها هستند و به پرونده‌های متعدد و بزرگ تقلب در کشورمان در دادگاه‌ها یا نهادهای نظارتی رسیدگی نموده‌اند.

۳- داده‌های شناسایی شده این پژوهش در نقل قول‌های متعدد جداگانه خبرگان، از معنای پنهانی یا ظاهری مشابه (تکراری) برخوردار بودند.

۴- با مطالعه سطر به سطر نوشته‌ها و توضیحات شفاهی پاسخ دهندگان که به نوشتار تبدیل شده بود به صورت دستی توسط دو نفر به صورت جداگانه کد گذاری انجام گردید و بعد از اتمام کد گذاری، نتایج این دو کد گذاری با یکدیگر مقایسه و از روش هولستی (روش موافقت کدها) استفاده شده است. درصد توافق مشاهده (ضریب پایایی) ۹۳ درصد محاسبه شد. همچنین نتایج این پژوهش مجدداً توسط خبرگان اصلی بازبینی و تأیید شده است به عبارتی از روش کنترل اعضا و روش ممیزی نیز برای روایی استفاده شده است. بنابراین الگوی به دست آمده تحقیق از اعتبار لازم برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تقلب در صورت‌های مالی نه تنها منجر به کاهش اعتماد عمومی نسبت به اطلاعات مالی و بازارهای سرمایه محسوب می‌شود بلکه در سالهای اخیر اعتبار حرفه حسابرسی را نیز به چالش کشیده است. تاکنون پژوهش‌ها مختلفی برای شناسایی عوامل موثر بر وقوع تقلب انجام شده است با این حال این حوزه از فقدان چارچوب نظری کامل رنج می‌برد. در این راستا و تکمیل تحقیقات پیشین، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی با رویکرد حسابداری دادگاهی به روش تحلیل مضمون (تم) برآمده است و نتیجه تحلیل پاسخ‌های خبرگان حاکی از این است که وقوع تقلب در صورتهای مالی شرکت‌های ایرانی متأثر از عوامل:

۱- «شخصیت، ویژگی‌ها و تمایلات فردی» با زیر مجموعه علل:

الف) «خودشیفتگی/بیش‌اعتمادی»-با شاخصه‌های («استبداد/دیکتاتوری فردی»، «حرص و طمع»، «خود برتر بینی»، ب) «اخلاق و تعهد»-با شاخصه‌های («رفتار غیر قانونی»، «عدم پای بندی به مبانی قانونی، حرفه‌ای و اخلاقی»، «ضعف باورهای دینی و مذهبی»، «ضعف اخلاقی»، پ) «انگیزه/فشار»-با شاخصه‌های («نیاز مالی»، «اجتناب از زیان»، «توجه-با شاخصه‌های («بدون داشتن قصد صدمه زدن به دیگران»، «دیدگاه شایسته و مستحق بودن»، «بی‌اهمیت بودن کار انجمنی») و ث) ویژگی‌های فردی-با شاخصه‌های («جنسیتی»، «توانایی (دانش، تجربه و مهارت)»، «خطر پذیری»);

۲- «ساختاری» با زیر مجموعه علل:

الف) «محیط و فرهنگ سازمانی»-با شاخصه‌های («شفاف سازی نشدن امور»، «عدم حضور و نقش قانون، مقررات و منشور اخلاقی در سازمان»، «فرهنگ سازمانی بالا به پایین (استبدادی)»، «تبعیض سازمانی»، «استراتژی صرف بر روی سودآوری و رشد»، «نبود/ضعف فرهنگ مسئولیت پذیری و پاسخگویی سازمانی»، «نبود/ضعف کنترل‌های اساسی سازمانی»، «نبود/ضعف نظام شایسته سالاری»، «حاکم نبودن/ضعف فرهنگ والای انسانی (نهادینه نشدن ارزشهای دینی و مذهبی، وجدان کاری)»، «نبود/ضعف سیستم گزارش دهی (سوت زنی)»، «نبود/ضعف آموزش‌های حرفه‌ای و اخلاقی»); ب) «ناشایستگی مدیریتی» با شاخصه‌های («مدیریت بر واحد مورد رسیدگی بدون داشتن دانش و تجربه کاری و مدیریتی»، «نبود هیات ناظر یا کمیته‌ای موثر بر نظارت بر کار مدیران و مدیران بر زیردستان»، «قصور در رفع نقاط ضعف کنترل‌های داخلی، در جایی که چنین کاری عملی است»، «عدم توجه به اخطارهای مراجع نظارتی و حسابرسان»، «ناکارآمدی و اهمال کاری بخش‌های حسابرسی و بازرسی»، «عدم استفاده از ظرفیت حسابرسان داخلی»، «نبود عزم جدی در برخورد با پدیده تقلب»، «به حاشیه راندن افراد کارا و متخصص»، «تعویض مکرر مشاوران حقوقی یا حسابرسان»، «وجود تغییرات زیاد در ترکیب کارکنان اصلی امور مالی»، «دیکتاتوری و خشونت و بد رفتاری با زیر مجموعه»، «کمبود قابل ملاحظه تعداد کارکنان امور مالی برای مدت طولانی» و «بوجود آوردن مکان‌های مقدس برای سمت‌های مدیریتی»); پ) «انگیزه/فشار مدیریتی» با شاخصه‌های («وابسته بودن منافع مدیر یا وابستگانش به عملکرد شرکت»، «حفظ موقعیت شرکت در بازار»، «حفظ موقعیت

خود(مدیر) در شرکت»، «کاهش مالیات»، «فشار برای ایجاد وجوه نقد»، «برآورده نمودن توقعات اعتبار دهندگان»، «تمایل به مخفی نگه داشتن وضعیت مالی نامناسب»، «دستیابی به الزامات بورس»، «جلوگیری از صدور گزارش غیر مقبول حسابرسی»، «پیشگیری از تهدیدات قانونی»، «جهت دستیابی به بودجه»، «بدیاری آوردن(زیان شدید داشتن)»، «رقابت در صنعت»، «پدید آمدن الزامات جدید قانون یا مقررات» و «ت» «فرصت/بستر سازمانی» با شاخصه‌های «ضعف سیستم کنترل داخلی»، «ضعف در نظارت ارکان راهبری (هیات مدیره، کمیته حسابرسی، حسابرسان داخلی)»، «وجود اشخاص وابسته»، «حسابهای مبتنی بر قضاوت»، «پیچیدگی فناوری و وجود ساختار پیچیده»؛

۳- «کلان برون سازمانی» با زیر مجموعه علل:

الف) اقتصادی- صنعتی» با شاخصه‌های «مالکیت دولتی»، «انحصار»، «تحریم»، «رکود»، «تورم»، «فقر»، «ناپایداری کسب و کار(شرایط کرونایی فعلی)»، «اقتصاد دستوری- تصویب نرخ‌های چندگانه و دخالت‌های دولت»، «از دست دادن توان رقابت و وضعیت نامناسب صنعت»، «آسیب پذیری بالا در مقابل سرعت تغییرات تکنولوژی در صنعت»، «خطر ورشکستگی قریب الوقوع و وضعیت وخیم مالی صنعت‌ها» و «اجتماعی- سیاسی با شاخصه‌های» «آسیب دیدن ارزشهای والای انسانی در جامعه»، «نبود آزادی رسانه‌ها و شفاف‌سازی امور و سانسور حقایق (عدم شفافیت امور)»، «نبود حاکمیت قانون و مجازات قانونی سرسخت/ وجود حفره‌های قانونی»، «نبودشایسته سالاری در جامعه»، «عدم وجود فرهنگ مسئولیت پذیری/ پاسخ‌خواهی و پاسخگویی در جامعه»، «پایین بودن قبح فساد و تقلب در میان اقشار مردم» (به عنوان عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی شناسایی شدند.

یافته‌های این پژوهش بیانگر این مهم است که تقلب صرفاً متکی به عوامل فردی و ساختاری(عوامل تاثیر گذار حاکمیت شرکتی) شرکت‌ها نبوده بلکه شرایط حاکم بر محیط هر کشوری از لحاظ اقتصادی، صنعتی، سیاسی، فرهنگ و اخلاقیات هر جامعه و به طور کلی با عوامل ساختاری و کلان برون سازمانی یافته‌های این پژوهش در ارتباط است. عوامل یاد شده برای اولین بار در قالب الگوی عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های ایرانی با رویکرد حسابداری دادگاهی به روش تحلیل تم منطبق با شرایط محیطی کشور به صورت جامع تدوین شد. عوامل فردی و ساختاری (از نوع علل بستر/ فرصت سازمانی) همسو

با نظریه‌های تقلب و پژوهش‌های بیان شده در مبانی نظری و پیشنهاد است. نتایج این پژوهش می‌تواند منجر به توسعه مدل‌های قبلی مانند مثلث تقلب، لوزی تقلب، پنج ضلعی تقلب، فراالگوی چند بعدی تقلب و دیگر الگوهایی که تاکنون مطرح شده‌اند، گردد. به کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی پیشنهاد می‌شود بر اساس یافته‌های این تحقیق عوامل خطر مبتنی بر مدل مثلث تقلب در استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران توسعه یابد. علاوه بر این مراجع نظارتی نظیر سازمان بورس و جامعه حسابداران رسمی می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در تهیه چک لیست عوامل موثر بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی استفاده نمایند.

تعیین رتبه‌بندی عوامل یافته‌های این پژوهش بر اساس میزان تاثیر آن‌ها بر وقوع تقلب در صورت‌های مالی، موضوع مناسبی برای پژوهش‌های آتی است. همچنین عوامل شناسایی شده این پژوهش می‌تواند مبنایی برای مطالعات تجربی باشد. همچنین شناسایی عوامل موثر بر سوء استفاده از دارائیه‌ها و فساد به عنوان دو مقوله دیگر تقلب در شرکت‌ها بر اساس شرایط حاکم بر کشور مستلزم تحقیقات دیگر می‌باشد.

نتایج پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت پژوهش‌های کیفی که به برآیند مصاحبه با خبرگان متخصص در زمینه تقلب، متکی می‌باشد و ممکن است بسته به تجارب و شناخت خبرگان و تفسیرهای ذهنی پژوهشگران تغییر یابد، با محدودیت‌هایی مواجه است همچنین خبرگان سایر کشورها در این تحقیق مشارکت نداشتند لذا تعمیم یافته‌های این تحقیق به دیگر کشورها با محدودیت همراه است و جانب احتیاط را باید رعایت نمود.

یادداشت‌ها

- | | |
|--------------------------|---|
| 1. Fraud | 2. Enron |
| 3. WorldCom | 4. Global |
| 5. Parmalat | 6. Pressure |
| 7. Opportunity | 8. Rationalization |
| 9. Fraud Triangle Model | 10. Cressy |
| 11. Wolfe and Hermansone | 12. Fraud Diamind Model |
| 13. Capability | 14. Fraud Pentagon Model |
| 15. Crowe Horwath | 16. Arrogance |
| 17. Cieslewicz | 18. Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB) |
| 19. Hammersley | 20. Hoffman and Zimbelmane |

- | | |
|-------------------|---|
| 21. Douglas | 22. Zaki |
| 23. Rukmana | 24. Bani Ahmad |
| 25. Pamungkas | 26. Wang |
| 27. Dimitrijevic | 28. Forensic Accounting |
| 29. Liodorova | 30. The Association of Certified Fraud Examiners (ACFE) |
| 31. Dorminey | 32. Kravitz |
| 33. Marks | 34. Fortune |
| 35. Ramamoorti | 36. Gbegi & Adebisi |
| 37. James | 38. Bell |
| 39. Carcello | 40. Theme |
| 41. Braun | 42. Clarke |
| 43. Sarbanes-Oxly | |

منابع

اعتمادی، حسین و عبدلی، لیلا. (۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی و تقلب در صورت‌های مالی. *دانش حسابداری مالی*، ۴ (۴)، ۲۳-۴۳.

ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی، پژوهش، ۳ (۲)، ۴۴-۱۵.

بزرگ اصل، موسی؛ بهشور، اسحاق و احدی پاک، فرشته. (۱۳۹۹). خود شیفتگی مدیر عامل و ریسک تقلب در گزارشگری مالی با تاکید بر نقش حسابرسان و کمیته حسابرسی، *دانش حسابداری*، ۱۲ (۲)، ۱۳۹-۱۵۵.

بولو، قاسم و صادقی، پیمان. (۱۳۸۹). اثر ویژگی‌های اخلاقی فردی حسابرسان بر استفاده از راهنمای تصمیم در کشف تقلب مدیریت. *اخلاق در علوم و فناوری*، ۵ (۳ و ۴)، ۷۴-۸۳. بولو، قاسم؛ برزیده، فرخ و اله یاری ابهری، حمید. (۱۳۹۹). الگویی برای ارزیابی خطر تقلب در حسابرسی صورت‌های مالی. *دانش حسابداری*، ۱۱ (۴)، ۲۵-۴۵.

تشدیدی، الهه و سپاسی، سحر. (۱۳۹۷). ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان، *حسابداری مالی*، ۱۰ (۴۰)، ۲۹-۵۰.

خواجهی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۷). بررسی تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی در تقلب در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۲ (۲۱)، ۷۱-۸۴.

دیانتی دیلمی، زهرا؛ سلطانی، اصغر و عراقی، حامد. (۱۳۹۷). تدوین برنامه درسی کارشناسی

ارشد حسابداری قضایی و ضد تقلب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳ (۵)، ۴۱-۱۰۰.

رضایی، ذبیح‌اله. (۱۳۹۸). تهران، حسابداری قانونی و تقلب در صورتهای مالی، ترجمه سید علی صبحی، انتشارات شرکت پیشرو فناوری فاند.

سجادی، سید حسین و کاظمی، توحید. (۱۳۹۵)، الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه‌پردازی زمینه بنیان، پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۲۱، ۱۸۵-۲۰۴.

طاهری، مسعود؛ ایزدی نیا، ناصر و مؤید فر، رزیتا. (۱۳۹۷). بررسی اهمیت ابعاد و نشانه‌های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون تقلب مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۸۳-۱۰۶.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابولحسن؛ شیخ زاده، محمد؛ (۱۳۹۰)، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجد در داده‌های کیفی»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲، پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

قاسمی، یار محمد؛ هاشمی، علی. (۱۳۹۸)، «انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام)»، فرهنگ ایلام، دوره بیستم، شماره ۶۵ و ۶۴، صص ۷-۳۳.

کرمی، غلامرضا؛ جباری، حسن. (۱۳۹۶)، «تدوین مدلی برای تعیین پاداش هیات مدیره شرکت‌های ایرانی»، پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۵۳.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی سازمان حسابرسی. (۱۳۹۴). استانداردهای حسابرسی، سازمان حسابرسی.

مرادی، جواد؛ رستمی، راحله و زارع، رضا. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل خطر موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت، پیشرفت‌های حسابداری، ۱، ۱۴۲-۱۵۰.

معصومی، جواد؛ نیکو مرام، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله. (۱۳۹۹)، «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر کشف تقلب صورتهای مالی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)». دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱-۲۵.

نمازی، محمد و حسینی نیا، سمیه. (۱۳۹۸)، «تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرا

الگوی چند بعدی تقلب»، دانش حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۳۶.
 نیکومرام، هاشم؛ دریایی، مجید؛ خان محمدی، محمد حامد. (۱۳۹۸)، «ویژگی‌های فردی و تمایل به گزارش اخلاقی تقلب در حرفه حسابداری»، *اخلاق در علوم و فناوری*، سال ۱۴، شماره ۱۷۰-۱۷۷.

Abedi Jafari, H., Taslimi, S., Faqihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). Theme analysis and theme network: a simple and efficient way to explain patterns in qualitative data. *Strategic Management Thought Journal*, 2, 151-198.

Auditing Standards Development Committee of the Auditing Organization. (2015). *Auditor's Responsibility for fraud and error in the audit of financial statements*. Tehran. [In Persian].

Bani Ahmad, A. (2019). The moderating role of internal control on the relationship between accounting information system and detection of fraud: *the case of Jordanian banks*. *International Journal of Academic Research in Economics and Management Science*, 8(1), 37-48.

Bell, T., & Carcello, j. 2000. A decision aid for assessing the likelihood of fraudulent financial reporting. *A journal of Practice & Theory*, 9(1): 169-178.

Blue, Gh., Barzideh, F. & Alahyari Abhari, H., (2020). A model for assessment of the risk of fraud in an audit of financial statements. *Journal of Accounting Knowledge*, 11(4), 25-45. [In Persian].

Bolo, Gh. & Sadeghi, p. (2010). Individual ethical characteristics of charter accountants in use of decision guide for assessing management fraud. *Journal of Ethics in science and Technology*, 5(3&4), 74-83. [In Persian].

Bozorgasl, M., Behshour, I., & Ahmadi Pak, F. (2020). Chief executive officer (CEO) narcissism and risk of financial reporting fraud with placing emphasis on the roles of auditors and audit committees. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(2), 139-155 [In Persian].

Braun, v. & Clarke, v. 2006. *Using thematic analysis in psychology*, *Qualitative Research in Psychology* 3(2): 77-101.

Cressey, D. R. (1950). *The criminal violation of financial trust*. *American Sociological Review*. 15(6), 738-743.

Cieslewicz, J. K. (2012). The fraud model in international contexts: a call to include societal-level influences in the model. *Journal of Forensic and Investigative Accounting*. 4(1): 214-254.

Crowe Horwath. (2011). *Playing Offense in a High-Risk Environment*. *Crowe Horwath*, New York, NY

- Douglas, M., Boyle, F., Todd Dezoort, D., F & Hermanson. R. (2015). The effect of alternative fraud model use on auditors fraud risk judgments. *Journal of Accounting and Public Policy*, 34, 578-596.
- Dianati Deilami, Z. Soltani, A. & Eragi, H. (2018). Compilation of the master's curriculum of forensic accounting and anti-fraud. *Journal of Behavioral & Valued Accounting*, 3(5), 41-100 . [In Persian].
- Dimitrijevic, D. Milovanovic, V. & Stancic, V. (2017). The role of a company's internal control system in fraud prevention. *Financial Internet Quarterly*, 11(3), 34-44.
- Dorminey, J., Fleming, A. S., Kranacher, M. J., & Riley Jr, R. A. (2012). The evolution of fraud theory. *Issues in Accounting Education*. 27(2), 555-579.
- Etemadi, H. & Abdoli, L. (2017). Audit quality and fraud in financial statements. *Journal of Financial Accounting Knowledge*. 4 (4): 23-43 [In Persian].
- Fortune. (2015). The 5 biggest corporate scandals of 2015. <http://fortune.com/2015/12/27/biggest-corporate-scandals-2015/>.
- Gbegi, D. O., & Adebisi, J. F. (2013). The new fraud diamond model—how can it help forensic accountants in fraud investigation in Nigeria. *European Journal of Accounting Auditing and Finance Research*, 1(4), 129-138.
- Ghasemi, Y. M. & Hashemi, A. (2019). Conducting research using thematic analysis method: a practical and step-by-step guide for learning and teaching (Case of study: music consumption of master's students of Ilam University). *Journal of Elam Culture*, 20(64&65), 7-33. [In Persian].
- Hammersley, J.S. (2011). A review and model of auditor judgments in fraud-related planning tasks. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(4), 101-128.
- Hoffman, V. b., & Zimbelman, M.F. (2009). Do strategic reasoning and brainstorming help auditors change their standard audit procedures in response to fraud risk? *The Accounting Review*, 84(3), 811-837.
- Iman, M. T., & Noushadi. M., (2011). Qualitative content analysis. *Pazhuhesh*. 3(2), 15-44. [In Persian].
- James, A. D. 2010. An empirical investigation of the relevant skills of forensic accountants, *Journal of Education for Business* 83(6):331- 338.
- Karami, G. & Jabari, H. (2017). Developing a model to determine the remuneration of the board of directors of Iranian companies. *Journal of Experimental Accounting Research*, 8(3), 127-153. [In Persian].
- Khajavi, SH. & Ebrahimi, M. (2018). Investigating the impact of

- corporate governance mechanisms on financial statements fraud of the listed companies in Tehran Stock Exchange Shokrolah. *Journal of Asset Management and Financing*, 2(21), 71-84.
- Kravitz, R. H. (2012). Auditors' responsibility for detecting fraud: Putting ethics and morality first. *The CPA Journal*, 82(6), 24-30.
- Lin, C.-C. Chiu, A.-A. Huang, S.Y., & Yen, D.C.. 2015. Detecting the financial statement fraud: The analysis of the differences between data mining techniques and experts' judgments. *Knowledge-Based Systems. Elsevier B.V. All rights reserved* 89: 459-470.
- Liodorova, J., Voronova, I., & Seider, R. 2021. Advanced forensic methods to detect fraud. Article in criminalistics and forensics. At <https://doi.org/10.33994/kndise>. 66(06). 48-59.
- Marks, J. (2011). Why the fraud triangle is no longer enough. *Crowe Horwath*.
- Masomi, J., Nikoomaram, H. & Talebnia, G. (2021). Identify and ranking of factors affecting on detecting the financial statement frauds using the analytical hierarchy process (AHP). *A Journal of ccounting Knowledge & Management Auditing*.9(35), 1-25. [In Persian].
- Mohammad, N. & Hosseini-Nia, s. (2019). Content analysis of financial fraud theories and providing a multidimensional meta-model of fraud. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 6(1), 1-36. [In Persian].
- Moradi, J., Rostami, R., & Zare, R. (2014). Identifying risk factors affecting the possibility of fraud in financial reporting from the auditors' point of view and investigating their impact on the company's financial performance. *Journal of Accounting Advances*, 1, 142-150. [In Persian].
- Nikoomaram, H., Dariayi, M. & Kan Mohamadi, M. H. (2020). Individual characteristics and ethical whistle-blowing intention in audit profession. *Journal of Ethics in Science and Technology*, 14 (2),170-177. [In Persian].
- Pamungkas, I. D., Ghozali, I., & Achmad, T. (2018). A Pilot study of corporate governance and accounting fraud: *The fraud diamond model*. *Journal of Business and Retail Management Research*, 12(2), 253-261.
- Ramamoorti, S., Morrison, D., & Koletare, J. W. (2009). Bringing fraud to fraud: understanding the state of- mind of the C-Level suite/white collar offender through "A-B-C" analysis. *Working Paper, Institute for Fraud Prevention*.
- Rezaee, Z., (2019). Forensic accounting and financial statement fraud. Tranlated By Sayied Ali Sobhi, Tehran, publisher Quaed Pioneer Technology.

- Ross, B., (2010). What are the requirements for fraud? Lawyers.com. retrieved from <http://research.lawyers.com/blogs/archives/4184-what-are-the-requirements-for-fraud.html>.
- Rukamana, H. S., (2018). Pentagon fraud affect on financial statement fraud and firm value evidence in Indonesia. *South East Asia Journal of Contemporary Business, Economics and Law*, 16(5), 118-122.
- Sajadi, S. H. & Kazemi, T. (1395). A Comprehensive fraudulent financial reporting model in Iran by a theoretical approach, *Empirical Accounting Research*, 6 (21), 185-204. [In Persian].
- Taheri, M., Izadinia, n. & Moayedfar, R. (2018). Investigating the importance of fraud dimensions and fraud risk factors in modifying the audit program using the fraud pentagon model. *Quarterly Journal of Experimental Financial Accounting Studies*, 15(59), 83-106. [In Persian].
- Tashdidi, E. & Sepasi, S. (2018). Designing a model for preventing and controlling fraud based on grounded theory. *Journal of Financial Accounting*, 10 (40), 29-50. [In Persian].
- Wang, Z. M., Chen, H., Chin, C. I. & Zheng, Q. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China. *Journal of Accounting and Public Policy* 36(2), 141-162.
- Wolfe, D. & Hermanson, D. R. (2004). The Fraud diamond: considering four elements of fraud. *CPA Journal*, 38-42.
- Zaki, N. M. (2017). The appropriateness of fraud triangle and diamond models in assessing the likelihood of fraudulent financial statements- an empirical study on firms listed in the Egyptian Stock Exchange. *International Journal of Social Science and Economic Research*, 2, 2403-2433.